

تصویر ابو عبد الرحمن الکوردی

آموزش زبان کردی

سۆرانی



منتدی سۆرانی و کۆردی
www.igra.ahlamontada.com

گفت و گو
لغات کار و بوردی

دکتر علی رُخزادی

پۆدایەزانەکانی چۆرمەها کتێب: سەردانی: (مُنْقَدِي إِقْرَا النِّقَافِي)

لتسبيل أنواع الكتب راجع: (مُنْقَدِي إِقْرَا النِّقَافِي)

پەراي دانلود کتایبەکانی مەختەلف مەراجە: (مُنْقَدِي إِقْرَا النِّقَافِي)

www.lqra.ahlamontada.com



www.lqra.ahlamontada.com

للكتب (کوردی ، عربی ، فارسی)

آموزش زبان کردی

«سۆرانی»

فیربوونی زمانی کۆردی و سۆرانی

دکتر علی رُخزادی



انتشارات کردستان

سنندج - ۱۳۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش زبان کُردی

«سۆرانى»



انتشارات کردستان
Kurdistan Publication

سندج - پاساژ عزتی - تلفن: ۲۲۶۵۳۸۲

آموزش زبان کردی سورانی

✓ نام کتاب:	آموزش زبان کردی سورانی
✓ مؤلف:	دکتر علی رخزادی
✓ نوبت چاپ:	اول: ۱۳۸۶
✓ تیراژ:	۲۰۰۰ جلد
✓ تعداد صفحه و قطع:	۱۲۸ صفحه‌ی رقعی
✓ ناشر:	انتشارات کردستان

شابک: ۹۶۴ - ۷۶۳۸ - ۹۸ - ۱

ISBN: 964 - 7638 - 98 - 1

قیمت:

۱۰۰۰ تومان

رخزادی، علی، ۱۳۳۳ -
آموزش زبان کردی سورانی: (۱) دستور زبان کردی، (۲) گفتگو / علی
رخزادی. - - سندج: انتشارات کردستان، ۱۳۸۵.
۱۱۷ ص. : جدول.

ISBN: 964 - 7638 - 98 - 1 ریال ۱۰۰۰۰

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
عنوان به کردی: فیر بوونی زمانی کوردی سورانی
۱. کردی - - راهنمای آموزشی. ۲. سورانی. ۳. کردی - - دستور.
الف. عنوان.

ک ۹۴

PIR۳۲۵۷س۷۲ر۲۷

کتابخانه‌ی ملی ایران

لطفاً پیش از مطالعه کتاب « آموزش زبان کُردی سورانی - تألیف دکتر علی رُخزادی » ، اشکالات ناشی از حروفچینی و تایپ را طبق جدول زیر اصلاح فرمایید .

صفحه	سطر / ستون	عبارت موجود	عبارت درست
۲	۱	رخزادی ، علی ، ۱۳۳۲	رُخزادی ، علی ، ۱۳۳۳
۳	۳	فیڤبوونی زمانی کوردی و سورانی	فیڤبوونی زمانی کوردی سورانی
۹	۷	... دهیان بن زارلوهی لی دهیان بن زارلوه ...
۱۵	۸ و ۹	چم چال	چم چمال
۲۵	۲	کلمکهای کردی	کلمه‌های کُردی
۳۳	۶ ستون ۲	له خدمه‌تتام	له خدمه‌تتا
۳۵	۳ ستون ۲	ئه‌گه‌م به‌سەر چاو ...	ئه‌گه‌م / به‌سەر چاو ...
۵۶	۴ ستون ۲	اوتای نارام ...	ئوتایی نارام ...
۵۷	۱۲ ستون ۲	ئه‌گه له ...	ئه‌گه‌ر له ...
۵۷	۱۸ ستون ۲	... ئیمه رینویی بکا ؟	... ئیمه رینوویی بکا ؟
۵۹	۷ ستون ۲	هیوادارم سالی کی ...	هیوادارم سالی کی ...
۶۵	۱۷ ستون ۲	سەفەر خەتەر	سەفەر خەتەر ناکه
۶۹	۱۰ ستون ۲	... ئارتورۆرت هه یه ؟	... ئارتورۆرت هه یه /
۷۰	۷ ستون ۱	هفتا و هشت کیلو	هفتاد و هشت کیلو
۷۳	۴ ستون ۲	ئومیده ارم ...	ئومیده وارم ...
۷۳	۸ ستون ۲	... موختره متان	... موختره متان
۷۵	۷ ستون ۲	... باران بواری ؟	... باران بواری ؟
۷۷	۷ ستون ۲	ئه وه ی شماره ی ...	ئه‌وه‌ی شماره‌ی ...
۸۰	۱۲ ستون ۲	شه قامی که‌مهریه بندی ...	شه قامی که‌مهریه ندی ...
۸۰	۲۰ ستون ۲	بو کیف ؟	بو کیف ؟
۸۳	۱۷ ستون ۲	سبه پی ...	سبه پی ...
۸۴	۱۳ ستون ۲	له باره ...	له باره ی ...
۸۹	۹ ستون ۲	نی یه ، دروسه ؟	نی یه ، دروسه ؟
۹۶	۳ ستون ۱	ناوه ز سورشتی یه‌کان	ناوه سورشتی یه‌کان
۹۹	آخر ستون ۱	-	پس از گه‌ل ، نه‌تهوه اضافه شود
۱۱۷	۱۲ ستون ۱	یاد می‌گیری - فیڤ نه‌بی	یاد می‌گیری - فیڤ نه‌بی
۱۱۸	۴ ستون ۱	بی هیز	بی هیز

فهرست

عنوان	صفحه
- سه‌ره تا (سراغاز)	۹
- جایگاه زبان کُردی	۱۱
- شاخه‌های زبان کُردی امروز	۱۴
- بخش ۱	
شیوه نوشتن زبان کُردی سورانی	۱۹
تمرین ۱ تا ۴	۲۹
- بخش ۲	
گفتگو	۳۲
۱- آشنایی مقدماتی	۳۲
۲- معرفی دو نفر به یکدیگر	۳۵
۳- پرسش درباره زمان و ساعت	۳۸
۴- احوال پرسشی دوستانه	۴۰
۵- گفتگوی دو نفر کُرد و فارس	۴۲
۶- گفتگوی دو نفر مسافر در اتومبیل	۴۵
۷- گفتگوی دو دانشجوی کُرد و غیرکُرد	۴۸
۸- در بازار	۵۲
۹- در هتل	۵۵
۱۰- عید مبارکی	۵۸
۱۱- تسلیت	۶۱
۱۲- تبریک مراسم عروسی	۶۲

۶۳	۱۳- خرید روزانه
۶۵	۱۴- آب و هوا در فصل‌ها
۶۸	۱۵- نزد پزشک
۷۱	۱۶- احوالپرسی عادی و دوستانه
۷۲	۱۷- احوالپرسی رسمی و مؤدبانه
۷۴	۱۸- صد عبارت گوناگون و ضروری

- بخش ۳

۹۱	لغات، در موضوع‌های گوناگون کاربردی
۹۱	۱-۱- اعداد اصلی
۹۲	۲-۱- اعداد ترتیبی
۹۳	۲- اعضای بدن
۹۶	۳- روز، ماه، فصل، نام عوامل طبیعی و.....
۹۸	۴- لقب اقوام و فامیل
۱۰۰	۵- لباس و پوشاک
۱۰۲	۶- رنگ‌ها
۱۰۲	۷- طعم و مزه‌ها
۱۰۳	۸- درس و مدرسه و دانشگاه
۱۰۴	۹- خوراک
۱۰۵	۱۰- میوه‌ها
۱۰۶	۱۱- سبزیجات
۱۰۷	۱۲- وسایل خانه
۱۰۹	۱۳- حیوانات و پرندگان
۱۱۱	۱۴- افعال مورد نیاز
۱۱۷	۱۵- واژه‌های مفید دیگر
۱۱۹	- کتابنامه (منابع تاریخی و زبان شناسی)

پیرست

۹ سهره تا

۱۱ جینگای زمانی کوردی

۱۴ لقه کانی زمانی کوردی ئەمرو

- بهشی ۱

۱۹ شیوازی نووسینی زمانی کوردی سۆرانی

۲۹ راهیانی ۱ تا ۴

- بهشی ۲

۳۲ وت و ویژ

۳۲ ۱- ناسینی سهره تایی

۳۵ ۲- ناساندنی دوو کهس به یه کتر

۳۸ ۳- پرسیار سه بارهت به کات و سات

۴۰ ۴- هه والپرسی دوستانه

۴۲ ۵- وت و ویژی دوو کهسی کورد و فارس

۴۵ ۶- وت و ویژی دوو کهسی موسافر له ماشیندا

۴۸ ۷- وت و ویژی دوو خویندکاری کورد و غیری کورد

۵۲ ۸- له بازاردا

۵۵ ۹- له هوتلدا

۵۸ ۱۰- جهژنه پیروژه

۶۱ ۱۱- سهرخووشی

۶۲ ۱۲- پیروزیایی زه ماوهن

۶۳ ۱۳- کرینی پوژانه (سه ندنی پوژانه)

- ۱۴- ئاوو هه‌وا له وه‌رزه‌کاندا. ۶۵
- ۱۵- له لای دوکتوردا. ۶۸
- ۱۶- ئەحوالپرسی ئاسایی و دۆستانه. ۷۱
- ۱۷- ئەحوالپرسی ره‌سمی و به‌ئەده‌به‌وه. ۷۲
- ۱۸- سه‌د رسته‌ی جو‌راوجۆر و پێویست. ۷۴

- به‌شی ۳

- و‌شه‌کان، بۆ باب‌ه‌ته‌کانی جو‌راجۆری به‌کاره‌ێنان. ۹۱
- ۱-۱- ژماره‌ سه‌ره‌کی یه‌کان. ۹۱
- ۲-۱- ژماره‌ روتب‌ی یه‌کان. ۹۲
- ۲- به‌شه‌کانی له‌ش. ۹۳
- ۳- رۆژ، مانگ، وه‌رز، ناوه‌ سو‌روشت‌ی یه‌کان و... ۹۶
- ۴- له‌قه‌بی قه‌وم و که‌س. ۹۸
- ۵- جل و به‌رگ. ۱۰۰
- ۶- ره‌نگه‌کان. ۱۰۲
- ۷- تام و چ‌یژه‌کان. ۱۰۲
- ۸- ده‌رس و مه‌دره‌سه‌ و زانستگه‌. ۱۰۳
- ۹- خو‌ارده‌مه‌نی. ۱۰۴
- ۱۰- میوه‌جات. ۱۰۵
- ۱۱- سه‌وزیجات. ۱۰۶
- ۱۲- ئەسه‌باب‌ی ناوما‌ل. ۱۰۷
- ۱۳- ئاژه‌ل و با‌لنده‌کان. ۱۰۹
- ۱۴- کرداره‌ پ‌یویسته‌کان. ۱۱۱
- ۱۵- و‌شه‌ به‌ که‌لکه‌کانی تر. ۱۱۷
- سه‌رچاوه‌کان. ۱۱۹

سهره تا

زمانی کوردی ئەمڕۆ بە پروای هەندێ له زانایانی پۆژهه لات ناس و زمانه وانان، یه کێ له زمانه میژینه کانی هیندوئوروپایی و له شاخه ی ههره بهرزی بنه ماله ی ئاریایی یه که ئال و گۆری زهمان به سهریا هاتوووه که یاندوو یه تی بهم پله و پایه که ئیستا تییداین.

لهم زمانه چوار لقی سهره کی و پتر له بیست زاراوه و ده یان بن زاراوه ی لێ دروست بووه.

زمانی کوردی ← چوار لقی سهره کی ← زاراوه کان ← بن زاراوه کان
(زبان ← شاخه ← گونه ← گویش (لهجه))

هه رکام لهو لقانه به شیوازیکی بهربلاو دهووری چالاکیان له پیک هینانی فرههنگ و ئهدهبی دهوله مهندی کورده واریدا ههیه. له نێو ئه و چوار لقه سهره کی یانه دا، لقی کوردی سۆرانی وه ک زمانی یه کگرتووی کوردی له ئەمڕۆدا ناسراوه و له هه موو بواره کانی سیاسی و ئابووری و فرههنگی و کۆمه لایه تی و زانستیدا پێی ده نووسری و قسه ی پێ ده کری و پۆر به پۆر له حالی پهره سه نندا یه.

بۆ ئەوێ فێر بوونی زمانی کوردی سورانی لە ئەمڕۆدا وە ک پۆیستی یە ک بۆ
 کوردو غەیری کورد چاوی لێ دە کری و سەرنجی خەلکانی بۆ لای خۆی
 راکیشاوه.

بەو هۆیه وە ئەم نامیلکە واکە بەردهستی خوینەری بەرێزدایە، وە کوو
 هەنگاویکی بچوو ک بۆ ناساندن و فێر کردنی سەرەتایی زمانی کوردی
 سورانی ئاراستە کراو بە ئێوێ خوشەویست پیشکەش دە کریت بەو هیوایە کە
 بتوانی لە پیناوی فێر کردنی زانستی زمانی کوردی، وە کوو زمانیکی میژینه و
 دەولەمەند و شیرین کاریگەر بی.

دۆستی ئێو

ع. رُخزادی



جایگاه زبان کُردی

بر اساس پژوهش‌های علمی و زبان‌شناسی و نیز تحقیقات خاورشناسان، زبان کُردی امروز، بازمانده و تطوّر یافته یکی از شاخه‌های خانواده زبان‌های آریائی است و به دلیل انطباق مناطق کردنشین امروز در خاورمیانه با حوزه جغرافیائی محلّ سکونت مادها، این نظریه قوّت می‌گیرد که زبان کُردی دنباله زبان مادی باستان است.

- «بعضی از دانشمندان را عقیده چنانست که گائۀ زرتشت به زبان مادی است و نیز برخی برآنند که زبان کُردی که یکی از شاخه‌های زبان ایرانی است از باقیمانده‌های زبان مادست.»

(سبک‌شناسی بهار، ج ۱، ص ۵)

- «مینورسکی بر این عقیده است که تمام لهجه‌های بازمانده در زبان کُردی از زبان پایه قدیم و نیرومندی نشأت کرده‌اند و آن زبان مادی است.»

(مینورسکی، به نقل از کُردها، ترک‌ها، عرب‌ها، ص ۱۳ سیسیل جی. ادموندز، ترجمه یونسی)

- پرفسور سائیس می‌گوید: مادها عشایر کُرد بوده و در شرق (یعنی غرب ایران امروز) سکونت داشته‌اند و ولایات آنها تا جنوب بحر خزر

ادامه داشته و زبان آنها، آریایی و از نژاد خالص آریایی هستند.

(کُرد و کُردستان به نقل از تحفه ناصری، ص نوزده)

- دارمستتر مستشرق فرانسوی، زبان کُردی را مشتق از زبان مادی می داند.

(تحفه ناصری ص بیست)

- هواردت و دارمستتر بر این عقیده اند که زبان مادها همین زبان کُردی مَکری بوده است.

(تاریخ مردوخ، ص ۴۱ به نقل از تحفه ناصری ص بیست)

- سیسیل جی. ادموندز می گوید: به گمان من بنا بر جهات و موجبات جغرافیایی و زبان شناسی می توان گفت کردهای امروزی نمایندگان مادها و سومین سلطنت بزرگ شرق هستند.

(کُردها، ترکها، عربها، ص ۱۳)

و...

آن چه مسلم است زبان کُردی دارای یک مجموعه قواعد و تعریفهای صرفی و نحوی برجسته و چشمگیر است که ویژه این زبان می باشد و همین ویژگیهای خاص صرفی و نحوی آن را از سایر زبانهای هم جوار و موازی خود جدا می سازد و اطلاق یک زبان مستقل را بر آن توجیه می نماید و به همین اعتبار، در حوزه علم زبان شناسی، کُردی را «زبان» می نامند، نه «نیم زبان» یا «لهجه» یا «گوش» طبق آن چه گروهی ناآگاه به علم زبان شناسی می پندارند.

در هر حال، زبان کُردی امروز با دامنه ای وسیع و متنوع و بالغ بر ۴۰ میلیون نفر گوینده، دارای ۴ شاخه اصلی و چندین گونه و صدها

لهجه است که در همه شاخه‌ها دارای آثار مکتوب غنی در زمینه‌های گوناگون علمی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی می‌باشد و روز به روز بر غنا و توسعه و بالندگی آن افزوده می‌شود.

شاخه‌های زبان کُردی امروز و حوزه جغرافیایی هر کدام^(۱)

الف - شاخه کرمانجی شمالی (کرمانجی باکوور)

این شاخه دارای گونه‌های زیر است:
جزیره‌ای، هکاری، بایزیدی، بوتانی، شمدینانی، بادینانی

حوزه جغرافیایی

- ۱- در ترکیه: مناطق کُردنشین جزیره، دیاربکر، ارزروم، بایزید، هکاری، ماردین، بتلیس، وان، آگری، شمدینان و...
- ۲- در عراق: عقره، دهوک، زاخو، عمادیّه، سنجار و...
- ۳- در ایران: اورمیّه، سلماس، ماکو، نقده، برادوست، تَرگُور، مرگُور، و کُردهای خراسان
- ۴- در سوریه: تمام مناطق کُردنشین از جمله: قامیشلی، حَسکه
- ۵- کُردهای ساکن: ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان و...

۱- به نقل از کتاب «آواشناسی و دستور زبان کُردی» تألیف: د. علی رُخزادی، ص ۳۲.

ب - کرمانجی جنوبی (سۆرانی)

این شاخه دارای گونه‌های زیر است:

مُکریانی، سۆرانی خاص، سنندجی (اردلانی)، جافی

حوزه جغرافیایی

۱- مُکریانی در ایران: مهاباد، بوکان، سردشت، پیرانشهر، نقده، اشنویه

۲- سۆرانی

۱/۲- در عراق: سلیمانیه، کرکوک، اربیل، موصل، رواندز، چم

چال، شقلاوه، کویه، قلعه دزه

۲/۲- در ایران: سقز، بانه، مریوان، تکاب

۳- سنندجی (اردلانی): در ایران، سنندج، دیواندره، کامیاران، لیاخ

۴- جافی

۱/۴- در عراق: شهرزور، کرکوک، کلار، کفری

۲/۴- در ایران: جوانرود، روانسر، سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی

ج - کرمانشاهی - لُری

این شاخه دارای گونه‌های زیر است:

کرمانشاهی، لُری، فیلی، لکی، بختیاری

حوزه جغرافیایی

۱- کرمانشاهی

۱/۱- در ایران: کرمانشاه، دالاهو، صحنه، کنگاور، قصرشیرین،

هرسین، سنقر، کلیایی، اسلام‌آباد، قروه، بیجار، ایلام، ایوان، آبدانان،

مهران، دهلران

۲/۱- در عراق: خائقین، مندلی، نواحی بدره و...

۲- کُری، فیلی، لکی، بختیاری

در ایران: کُرستان، پشتکوه، پیشکوه، بخشی از ایلام و...

د- گورانی - زازایی

این شاخه دارای گونه‌های زیر است:

گورانی (اورامی)، زازایی

حوزه جغرافیایی

۱- گورانی (اورامی)

۱/۱- در ایران: اورامان تخت شامل جنوب مریوان، ژاورود.

اورامان لهون شامل پاوه، نوسود، نودشه

۲/۱- در عراق: حلبچه، بیاره، توپله، منطقه زنگنه و کاکه‌یی در

کرکوک

۲- زازایی

در ترکیه: بخشهایی از مناطق: بین‌گول، دیرسیم، خارپوت، معدن،

ارزنجان، دیاربکر، اورفا، بتلیس

یادآوری- در مناطقی که برای هرکدام از شاخه‌های زبان کُردی به طور

اختصاصی ذکر شده است، گویندگان سایر شاخه‌ها نیز کم و بیش

وجود دارند و آن چه بیان شده است، صرفاً بر اساس اکثریت

گویندگان هر شاخه در هر منطقه است.

آن چه در این دفتر ذیل نام «آموزش زبان کُردی سورانی» یا «فیژ بوونی زمانی کوردی سۆرانی» آمده، مربوط به شاخه کُردی کرمانجی جنوبی (سۆرانی) است که امروز به عنوان زبان معیار یا «زمانی یه کگرتوو»ی کُردی شناخته شده و اکثر قریب به اتفاق کُرد زبانان در همه شاخه‌ها با آن تکلم می‌کنند و از طریق آن تفهیم و تفاهیم عمومی صورت می‌گیرد و در رسانه‌های گروهی کُردی از آن استفاده می‌شود. همان گونه که پیشتر اشاره شد، در هر چهار شاخه زبان کُردی امروز، آثار مکتوب و مدوّن در ساختار نثر و شعر و نوشته‌های گوناگون علمی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ادبی وجود دارد و این تلاش مستمر هر روز بر توسعه و گسترش زبان کُردی می‌افزاید و موجب شده است تا این زبان در همه جهان شناخته شود.

به همین دلیل ایجاب می‌نماید تا زبان کُردی، چون دیگر زبانهای زنده عالم، به طریقی سهل و ساده و در عین حال علمی، مورد آموزش قرار گیرد تا کُرد و غیر کُرد بتوانند آن را به صورتی زودیاب بیاموزند و با آن تکلم کنند.

این مجموعه در جهت آموزش مقدماتی زبان کُردی بخصوص مکالمه این زبان فراهم گردیده است. کوشیده‌ایم تا از ساده‌ترین عبارتهای روزمره و واژه‌های کاربردی مناسب در بخش‌های گوناگون شروع کنیم، و چون زبان فارسی برای غالب خوانندگان در این حوزه مفهوم و قابل درک و دریافت است، بنابراین ابتدا عبارتها و کلمات به زبان فارسی نوشته شده، سپس ترجمه و معادل آنها به زبان کُردی آمده است. قابل ذکر است که در کنار زبان کُردی سورانی معیار، همان

عبارات و واژه‌ها به گونه کُردی سنندجی نیز - اگر تفاوتی محسوس با سورانی معیار داشته باشد - آمده است.

با امید به این که کتاب حاضر برای خوانندگان عزیز، مفید واقع شود و علاقه‌مندان از طریق آن بتوانند با یکی از زبانهای زنده و دلنشین امروز یعنی زبان کُردی آشنا شوند.

دوستدار شما: ع. رخزادی

بخش ۱

بهشی ۱

شیوه نوشتن زبان کُردی سۆرانی / شیوازی نووسینی زمانی کوردی
سۆرانی

در زبان کُردی امروز دو الفبا برای نوشتن به کار می‌رود:

۱- کُردی کرمانجی شمالی (باکوور) و زازائی را با الفبای لاتین
می‌نویسند.

۲- کُردی کرمانجی جنوبی (سۆرانی) و کُردی گورانی (اورامی) و
کرمانشاهی و لُری را با الفبای عربی می‌نویسند.

آن چه به بحث ما مربوط است، شیوه نوشتن زبان کُردی سۆرانی و
الفبای آن است.

حروف در کُردی سۆرانی

در زبان کُردی ۲ دسته حرف وجود دارد:

الف - مصوّت‌ها (Vowels)

ب - صامت‌ها (Consonants)

الف - مصوّتها

حروف مصوّت ۲ دسته‌اند: مصوّتهای کوتاه ۳ مورداند (و معادل حرکت‌های عربی می‌باشند) و عبارتند از: (ـَ، ـِ، ـُ) و آنها را در خطّ کُردی با نشانه‌های زیر می‌نویسند:

ـَ با نشانه «ه» و آوانگاری لاتینی (a)

ـِ بدون نشانه ـ و آوانگاری لاتینی (e)

ـُ با نشانه «و» و آوانگاری لاتینی (o)

مانند: حَسَن ← در خط کُردی می‌نویسند: «حه‌سه‌ن» و آوانگاری: hasan

دِل ← در خط کُردی می‌نویسند: «دَلّ» و آوانگاری: deĭ

کُرد ← در خط کُردی می‌نویسند: «کورد» و آوانگاری:

Kord

مصوّتهای بلند ۵ حرف‌اند و عبارتند از: (ا، و، ی، ئ، و) با آوانگاری: ā, ē, i, u, ō

مانند:

ا ← پا با آوانگاری pā

وو ← سوور (= سرخ) با آوانگاری sur

ی ← سی (= عدد سی) با آوانگاری si

ئ ← شیر (= شیر جنگل) با آوانگاری šer

ۆ ← بو (= بو) با آوانگاری bō

بنابراین در زبان کُردی ۸ حرف مصوّت، طبق جدول زیر، وجود دارد:

ردیف	مصوّت	آوانگار	نوع مصوّت	مثال کُردی	خط فارسی و معنی
۱	ا = َ	a	کوتاه	ره سەن	رَسَن = اصیل
۲	ه = ِ	e	کوتاه	لانیک	لَانِک = گهواره
۳	و = ُ	o	کوتاه	کوردستان	کُردستان = کردستان
۴	ا	ā	بلند	بار	بار = بار
۵	وو	u	بلند	توو	توت = توت
۶	ی	i	بلند	پی	پیه = پیه
۷	ئ	ē	بلند	شیر	شیر = شیر
۸	ۆ	ō	بلند	بۆر	بور = بور

یادآوری چند نکته در مورد مصوّتها

۱- مصوّت کوتاه ِ در رسم الخط کُردی نشانه‌ای ندارد.

۲- آوای فتحه َ در کلمه‌های کُردی به صورت «ه» نوشته می‌شود:

سَرد ← سه‌رد

۳- آوای ضمه ُ در کلمه‌های کُردی به صورت «و» نوشته می‌شود:

تُرش ← تورش

۴- آوای کوتاه ِ در اوّل و آخر کلمه‌های کُردی نمی‌آید.

۵- آوای کوتاه ُ در اوّل و آخر کلمه‌های کُردی نمی‌آید.

۶- هیچکدام از مصوّتهای ۸ گانه زبان کُردی در آغاز کلمه‌ها نمی‌آیند.

۷- مصوّتهای بلند (ی، ئ، ا، و، وو) همواره دومین حرف کلمه یا هجا

هستند. مانند: (تیر، تیر، چاک، تۆز، دوو)

۸- سه مصوّت بلند (ی، ا، و) زبان کُردی از نظر تلفّظ مانند معادلهای آنها در زبان فارسی هستند و هیچ تفاوتی با آنها ندارند.

مانند: در کُردی: شیر (خوراکی) در فارسی: شیر

در کُردی: پار در فارسی: پار (پارسل)

در کُردی: نوور در فارسی: نور

تلفّظ «نور» در کُردی و فارسی برابر است اما در رسم الخط کُردی، مصوّت بلند (و) را با دو «و» نشان می دهند.

۹- دو مصوّت بلند (ئ، و) کُردی، در فارسی امروز وجود ندارند و در تلفظ کُردی معادل اند با (ی، و) مجهول فارسی دری. بنابراین برای نشان دادن تلفّظ آنها و متفاوت بودنشان با نشانه‌های مشابه، روی این دو حرف علامتِ (ـَ) قرار می دهند.

مانند: در کُردی: گِیج در فارسی: گیج

در کُردی: شیّر (حیوان) در فارسی: شیر

در کُردی: بۆر در فارسی: بور

در کُردی: شوّخ در فارسی: شوخ

۱۰- ویژگی دهان در تلفظ این دو حرف (ئ، و) کُردی چنین است:

- ئ: لبها نیمه باز و گسترده کشیده است و زبان به پیش می آید و در وسط برافراشته می شود.

- و: لبها گِرد باز است و عقب زبان به نرم کام (انتهای سقف دهان) نزدیک می شود.

- چگونگی تلفظ این دو حرف را باید از گُرد زبانان یاد گرفت و لازم است به آهنگ این دو حرف به طور مکرر گوش سپرد.

ب- صامت‌ها

در زبان کُردی ۲۹ حرف صامت به شرح زیر وجود دارد.

شماره	تصویر خط کُردی	نشانه آوانگار	شماره	تصویر خط کُردی	نشانه آوانگار
۱	ء	?	۱۶	ع	?
۲	ب	b	۱۷	غ	γ
۳	پ	p	۱۸	ف	f
۴	ت	t	۱۹	ث	v
۵	ج	J	۲۰	ق	q
۶	چ	č	۲۱	ک	k
۷	ح	h	۲۲	گ	g
۸	خ	x	۲۳	ل	l
۹	د	d	۲۴	لْ	ḷ
۱۰	ر	r	۲۵	م	m
۱۱	رْ	r̄	۲۶	ن	n
۱۲	ز	z	۲۷	و	w
۱۳	ژ	ž	۲۸	ه	h
۱۴	س	s	۲۹	ی	y
۱۵	ش	š			

یادآوری‌های لازم در مورد صامت‌ها

۱- در جدول صامت‌های زبان گُردی، حرفهای (ث، ص، ض، ذ، ظ، ط) وجود ندارد و در رسم الخط گُردی نیز از آنها استفاده نمی‌شود و برای نشان دادن این حرفها از معادل آوایی آنها در خط گُردی بهره می‌گیریم.

ثروت	←	در خط گُردی نوشته می‌شود: سه‌روه‌ت
صبر	←	در خط گُردی نوشته می‌شود: سه‌بر
ضرر	←	در خط گُردی نوشته می‌شود: زه‌ره‌ر
لذیذ	←	در خط گُردی نوشته می‌شود: له‌زیز
ظاهر	←	در خط گُردی نوشته می‌شود: زاهر
خط	←	در خط گُردی نوشته می‌شود: خه‌ت

لذا برای حرفهای (ث، ص) در خط گُردی از حرف (س) استفاده می‌شود.

برای حرفهای (ض، ذ، ظ) در خط گُردی از حرف (ز) استفاده می‌شود.

برای حرف (ط) در خط گُردی از حرف (ت) استفاده می‌شود.

۲- در جدول فوق سه حرف (پ، ف، ل) دیده می‌شود که مخصوص زبان گُردی‌اند و دارای ویژگیهای زیر می‌باشند:

□ «ر»

○ با نشانهٔ (پ) در زیر آن، به نام «پ» سخت (fortis) شناخته شده است.

- این حرف در آغاز، وسط، و پایان کلمه‌های کُردی قرار می‌گیرد.
 - آهنگ تلفّظ آن به نسبت «ر» نرم، غلیظ‌تر است.
 - در تولید آن، زبان چند بار لرزش پیدا می‌کند.
 - حرف «ر» در آغاز کلمه‌های کُردی همواره «پ» سخت است نه نرم.
 - معادل این حرف، در زبان فارسی، با این آهنگ تلفّظ وجود ندارد، بلکه معادل آوایی و خطّی آن در فارسی، همان «ر» نرم است. مانند:
- ران ← در فارسی: ران
که‌ر ← در فارسی: کَر (ناشنوا)

□ «ف»

- این حرف در تلفّظ کُردی، معادل تلفّظ (v) انگلیسی در کلمه (vowel) و «و» فارسی در کلمه‌های (اوّل)، (وَرَد)، (سَرو) است.
- کاربرد این حرف در کُردی سورانی به نسبت کُردی کرمانجی شمالی محدود است.

مثال: گوڤار به معنی مجله

مروڤ به معنی مردم

□ «ل»

با نشانهٔ (ـَ) در بالای آن، به نام «ل» سخت (fortis) شناخته شده است.

○ این حرف در آغاز کلمه‌های زبان کُردی قرار نمی‌گیرد و آن چه در اوّل کلمه می‌آید «ل» نرم (lenis) است.

○ این حرف در وسط و پایان کلمه‌های زبان کُردی قرار می‌گیرد.

○ تلفّظ این حرف در زبان کُردی معادل «ض» زبان عربی است.

○ این حرف کُردی در زبان فارسی معادل آوایی ندارد و معادل آوایی و خطّی آن، همان «ل» نرم است مانند: گولاو ← در فارسی: گلاب.
دل ← در فارسی: دل

○ در تولید آن، آوای حرف از یک کنار دهان ایجاد می‌شود و یک کناری نام دارد.

۳- دو حرف (و) [شماره ۲۷] و (ی) [شماره ۲۹] اگرچه به ظاهر شبیه حرفهای مصوّت پیشین‌اند، اما با این ویژگی از مصوّتها جدا می‌شوند:
○ این دو حرف در اوّل کلمه‌های کُردی قرار می‌گیرند و از این لحاظ جزو صامت‌ها هستند، در حالی که مصوّت‌های زبان کُردی در اوّل کلمه‌ها قرار نمی‌گیرند.

مانند: werč (= خرس) / وینه wēna (= عکس)

yār (= یار) / یه ک yak (= یک)

بنابراین، اگر در آغاز کلمه‌ای کُردی حرف (و) و (ی) قرار بگیرد، صامت‌اند.

○ حرف (ی) صامت در آخر کلمه‌های کُردی نمی‌آید.

۴- حرف همزه (ء) در ترکیب با مصوت‌های بعد از خود به صورت‌های زیر نوشته می‌شود:

ئا، ئه، ئو، ئی، ئی، ئۆ

مانند: ئاو (= آب)، ئه‌گه‌ر (= اگر)، ئوستا (= استاد)، ئیش (= کار)، ئیش (= درد)، ئۆخه‌ی (= آخیچ)

۵- حرف مشدّد در خط‌گردی به صورت دو حرف نوشته می‌شود:

خُرّم ← در‌گردی: خورره‌م

مکّه ← در‌گردی: مه‌ککه

در زبان‌گردی غالباً تشدید را در تلفّظ حذف می‌کنند:

مَنْت ← در‌گردی می‌گویند: منه‌ت

اوّل ← در‌گردی می‌گویند: هه‌وه‌لّ

البته ← در‌گردی می‌گویند: ئه‌لبه‌ت



جدول حرفهای مشابه در رسم الخط کُردی و راه تشخیص آنها

حرف	نوع	جایگاه در کلمه	مثال
و	نشانه ضمه	در اوّل و آخر کلمه نمی آید	گول، کورد
و	حرف صامت	در اوّل، وسط و آخر کلمه می آید	ورچ، گه وره، تاو
ۆ	مصوّت بلند	در اوّل کلمه نمی آید	بۆر، درۆ
وو	مصوّت بلند	در اوّل کلمه نمی آید	سوور، توو
ی	مصوّت بلند	در اوّل کلمه نمی آید	تیر، پی
ئ	مصوّت بلند	در اوّل کلمه نمی آید	شیر، شی
ی	حرف صامت	در اوّل و وسط کلمه می آید	یار، به یین
ر	حرف صامت	در اوّل کلمه نمی آید	بهرد، سه‌ر
پ	حرف صامت	در اوّل، وسط و آخر کلمه می آید	پۆن، گوپان، شپ
ل	حرف صامت	در اوّل، وسط و آخر کلمه می آید	لار، په‌له، شِل
لّ	حرف صامت	در وسط و آخر کلمه می آید	گولّله، دلّ

یادآوری: برای آشنایی بیشتر با این حروف، و سایر حرفهای زبان کُردی به کتاب «آواشناسی و دستور زبان کُردی» تألیف نویسنده این خودآموز مراجعه شود.

تمرین ۱

چند عبارت و بیت فارسی از گلستان سعدی با برگردان به خط کُردی - با دقّت دو شیوه نوشتن فارسی و کُردی را مقایسه کنید.
«مَنْتَ خدای را، عَزَّ وَجَلَّ، که طاعتش موجب قربتست و به شکر اندرش مزید نعمت»

خط کُردی: مِمنهت خودای را، عه ززه وه جه لله، ک تاعه ته ش مووجب قوربه ته ست و ب شوکر ئه نده ره ش مه زید نعمه ت.

* * *

«هر نَفْسِی که فرو میرود مُمِدّ حَیَاتِست و چون برمی آید مفرّح ذات»
خط کُردی: هه ر نه فه سی ک فوروو می ره وه د مومدد حه یاته ست و چون بهر می ئایه د موفه رره ح زات.

* * *

«پس در هر نَفْسِی دو نعمت موجودست و بر هر نعمتی شکری واجب»
خط کُردی: په س ده ر هه ر نه فه سی دو نعمه ت مه وجوو ده ست و بهر هه ر نعمه تی شوکری واجب.

* * *

«از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید»
خط کُردی:

ئه ز ده ست و زه بان ک بهر ئایه د که ز عوه ده ی شوکره ش بدهر ئایه د

* * *

«بَنده هَمان به که ز تَقْصیر خویش

عُذر به دَرگاه خدای آوَرَد

وَرَنه سَزاوَار خُداوَنَدیش

کَس نَتوانَد که به جای آوَرَد»

خط گُردی:

به نَدِ هَمان به کِ ز ته قسیر خویش عوزر ب ده رگاه خودای ئاوه رده

وهر نه سزاوار خوداوه ندیشهش کهس نه ته وانه دِ ب جای ئاوه رده

* * *

تمرین ۲

این کلمه ها را به خط گُردی بنویسید:

وِظیفه - خَطَا - غَیْب - گَبر - ترسا - عَصَا ره - تَتِمَّه - مُحَمَّد - جَلَّ و عَلا -

تَضَرُّع - بَرآوَرْدَن - اُمید - آرزو - بَحر - دَریا - غم انگیز - دست انداختن -

لَذَّت بخش - دَر بَسْتَن - تُرْیا.

تمرین ۳

این دو بیت را به خط گُردی بنویسید:

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم

وز هر چه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم

گر کسی وصف او ز من پرسد

بی دل از بی نشان چه گوید باز

تمرین ۴

این کلمه‌های کُردی را درست بخوانید و به خط فارسی بازنویسی کنید.

ئەرخەوان - قەوم و خوێش - فروشتن - جەمال - موعامەلە - گۆل -
نەورۆز - جەژن - حەدیس - ئەلماس - ئاسن - بەفر - عەمارەت -
سەولەت - دەولەت - خوررەم - بەیاز - حەقیقەت - خەجالەت -
خزمەت - تەخسیر - ئەلۆەند - شەش - مەولەوی - فێردەوسی

بخش ۲

به‌شی ۲

گفتگو / وت و وێژ

- در این بخش به «گفتگو» و «مکالمات روزمره» می‌پردازیم در ستون دوم، کُردی سورانی معیار و کُردی سنندجی به ترتیب آمده است.

۱- آشنایی مقدماتی	ناسینی سه‌ره‌تایی / ناسین سه‌ره‌تایی
فارسی	کُردی سورانی معیار / کُردی سنندجی (سنه‌یی)
- سلام	- سه‌لام / سلام
- صبح به خیر	- پرۆژ باش / به‌یانیت باش
- ظهر به خیر	- نیوه‌پرۆت باش / نیمه‌پرۆت به‌خیر
- عصر به خیر	- ئیواره‌ت باش / ئیواره‌ت به‌خیر
- شب به خیر	- شه‌و باش (شه‌وت باش) / شه‌و به‌خیر
- وقت به خیر	- ئەم کاته‌ت باش / وه‌خت به‌خیر
- حالت‌ه‌و؟	- حالت‌ه‌و؟ / حالت‌ه‌و؟

- چطوری؟

- چۆنی؟ / چۆنی؟

- خویی؟

- باشی؟ / خاسی؟

- متشکرم، بد نیستم

- سوپاست ده کهم، خراپ نیم /
مه منوونم خراو نیم

- شما چطوری؟

- تۆ چۆنی؟ / تۆ چۆنی؟

- شما چطورید؟

- ئیوه چۆن؟ / ئیوه چۆن؟

- همه شما خوبید؟

- هه مووتان باشن؟
گشت لایه کتان خاسن؟

- الحمدلله

- شوکر بو خوا / شوکر بو خوا

- امیدوارم همیشه سالم باشید

- هیوادارم هه میشه سه لامهت بی /
ئومیده وارم هه ر خوهش بی

- از خانواده محترم چه خبر؟

- له بنه ماله ی به پیرتان چ خه بهر؟ /
له خانه واده ی موختره متان چ خه بهر؟

- سلامت اند، عرض سلام دارند

- سه لامه تن، عهرزی سلاویان هه به. /
سلامه تن، سلام عهرز ته کهن

- چطور شد اینجا تشریف
آوردید؟

- چۆن بوو، ته شریفهت بو ئیره
هینا؟ / چۆن ته شریفتان بو ئیره
هاورد؟

- کمی کار اداری داشتم.
- هه ندی کاری (ئیشی) ئیداریم بوو
که می کار ئیداریم بوو

- اگر کاری از من ساخته است
در خدمتم.
- ته گهر کاریک له من به ردی
ته گهر کاریی له دهس من به رتیی هام
له خدمه تمام / له خزمه تتا

- بسیار ممنونم، مشکلی نیست
- زۆر سوپاس، موشکیله یه ک نی یه
فه ره مه منوون، موشکلیک نی یه

- حالا برنامه ات چیست؟
ئێستا بهرنامه ت چیه؟ /
ئێسه بهرنامه ت چهس؟

- دنبال کارهایم هستم.
هام به دواي ئیشه کانمه وه /
هام به شوڤن کاره کانمه و

- پس از کارهایت به منزل ما بیا
- دواي ئیشه کانت ته شریف بیڤنه بو
مالی ئیمه / دواي کاره کانت
ته شریف بیڤا بو مال ئیمه

- ممنونم، زحمت نمی دهم
- سوپاس، عه زیه تتان نادهم /
مه منوونم موزاحم ناوم

- چه زحمتی، خوشحال می شوم
- چ عه زیه تتی، خوشحال ئه بین /
چ زه حمه تتی خواهه شحال ئه وین

- به چشَم، پس از کارهایم حضور می‌رسم	- به چاوَان، دَوای ئیشه کانم خدمه‌ت ئه گه‌م به سه‌ر چاو، دَوای کاره کانم تیم بۆ خز مه‌تتَان
- ساعت ۱۲ همدیگر را می‌بینیم	- سه‌عاتی دوازده به کتر ئه‌بینین / سه‌عات دوازده به کتر ئه‌وینین
- پس فعلاً خدا حافظ	- ئیتر ئیستا خواحافیز / ئیتتر ئیسه خواحافز
- خدا نگهدار	- خودات له‌گه‌ل / خوا نگادار

۲- معرفتی دو نفر به یکدیگر ناساندنی دوو که‌س به یه‌کتر /
ناشنا کردن دوو نه‌فه‌ر به یه‌کتر

فارسی	کُردی
- ببخشید، آقای پرویزی را معرفتی می‌کنم	- ببووره، ئا‌غه‌ی په‌رویزی تان پی ده‌ناسینم / بو‌ه‌خشه، ئا‌غه‌ی په‌رویزی مو‌عه‌ره‌فی ئه‌که‌م
- سپاسگزارم، از آشنائی با شما خوشوقتم	- سوپاس، له‌ ئاشناییتان خوشحالم - سپاسگوزارم، له‌ ئاشناییتان خوه‌شحالم

- آقای کریمی را معرفی می‌کنم

- ئاغهی که ریمی تان پی ده ناسینم /
ئاغهی که ریمی موعه ره فی ئه که م

- خوشحالم

- خوشحالم / خوه شحالم

- جناب کریمی! اجازه می‌فرمائید
پیرسم در کجا کار می‌کنید؟

- جه نایی که ریمی ئیزن ئه دهی
پیرسم له کوئی ئیش ده که ی؟ /
جه ناب که ریمی ئیجازه ئه فهرموی
پیرسم له کوئی کار ئه که ی؟

- خواهش می‌کنم، من معلّم
دبیرستان هستم

- تکایه، من مامۆستای ناوه‌ندیم /
خواهیش ئه که م من موعه لم
ده بیرستانم

- جناب عالی به چه کاری مشغول هستی؟

- جه نابت به چه ئیشی که وه
سه رقالی؟ / جه نابتان به چه کاریکه وه
سه رگه رمن؟

- من در بازار کار می‌کنم

- من له بازار دا ئیش ده که م /
من له بازارا کار ئه که م.

- موفق باشید

- پیروزی بی / موه فقه بی

- وضع بازار چطور است؟

- وه زعی بازار چۆنه؟ /
وه زع بازار چۆنه؟

- بد نیست

- خراپ نی یه / خراو نی یه

- شما با درس و مدرسه چطوری؟

- ئیوه له گه‌ڵ دەرس و مه‌کته‌بدا
چۆن؟ - ئیوه له ته‌ک دەرس و
مه‌دره‌سا چۆن؟

- ای، ما نیز راضی هستیم

- ئه‌ی، ئیمه‌ش رازین /
ئه‌ی، ئیمه‌یش رازین

- امیدوارم باز هم همدیگر را ببینیم

- هیوادارم دووباره یه‌ک ببیننه‌وه
- ئومێده‌وارم دووباره یه‌کتر
بویننه‌و

- به امید دیدار

- به هیوای دیدار / به ئومێد دیدار

- خدا حافظ

- خودا حافیز / خوا حافظ

- خدا به همراه

- خودات له گه‌ڵ / خوا هامرات

۳- پرسش درباره زمان و ساعت پرسپیار سه بارهت به کات و سات

فارسی	کُردی
- بیخشید ساعت چند است؟	- بیووره سه عات چهنده؟ / بوه خشه سه عات چه نیکه
- یک ربع به هشت	- چاره کئی به ههشت / ههشت روبع کهم
- ساعت ۱۲ است	- سه عات دوازدهیه / سه عات دوانزهس
- چهار بعد از ظهر	- چوار دواى نیوه پوڤ / چوار دواى نیمه پوڤ
- پنج و ربع	- پینج و چاره ک / پنج و روبع
- سه و نیم	- سی و نیو / سی و نیم
- هفت و چهل دقیقه	- ههوت و چل قوله ک / ههفت و چل ده قیقه
- سه تمام	- سیی تهواو / سیی تهواو

- چەندی مانگە؟ / چەنی بورجە؟

- چەندم برج است؟

- شەشی مانگە / شەش بورجە

- ششم برج است.

- ئەمە چ مانگیکە؟ /

- این چه ماهی است؟

ئەمە چ مانگیکە؟

- مانگی جۆزەردانە /

- ماه خرداد است؟

مانگ جۆزەردانە

- کە ی دەچی بۆ سەفەر /

- کی به مسافرت می روی؟

کە ی ئەچی بۆ سەفەر؟

- هەوێ هاون / ئەوێ تاوسان

- اول تابستان

- سبە ی (بە یانی) کە ی دئی؟ /

- فردا کی می آیی؟

سبە کە ی تی؟

- عەسر دیم / عەسر تیم

- عصر می آیم

- ئیوارە دیم / ئیوارە تیم

- نزدیک غروب خواهم آمد

- پێش نیوەڕۆ دیم /

- پیش از ظهر می آیم

بەر لە نیوەڕۆ تیم

- دواى نيوهرۆ / دواى نيمهرۆ

- بعدازظهر

- هه ينى باستر نى يه؟ /

جمعه بهتر نيست؟

جومعه خاستر نى يه؟

ههوال پرسى دوستانه

۴- احوال پرسى دوستانه

کُردى

فارسى

- سه لام فهريدون، چۆنى؟ /
سلام فهريدون، چۆنى؟

- سلام فريدون، چطورى؟

- سه لام پهريوز، حالت چۆنه؟ /
سلام پهريوز، حالۆ چۆنه؟

- سلام پريوز، حال شما چطور
است؟

- چى ئه كهى، ديارت نيه؟ /
چا كهى، (چه ئه كهى)، ديار نيت؟

- چه كار مى كنى، پيدات نيست؟

- چى بكهم، ديم و ئه پروم /
چه بكهم، تيم و ئه چم

- چه كار كنم، مى آيم و مى روم

- تو چى ئه كهى؟ / تو چه ئه كهى؟

- شما چه كار مى كنى؟

- راستی حالا کجا مشغولی؟

- راستی ئیستا له کوی سهرقالی؟ /
راسی ئیسه له کوی کار ته که ی؟

- به کار تجارت مواد خوراکی
مشغولم

- ئیشی تیجاره تی چت و مه کی
خوارده مه نی ته که م / خه ریک
تجاره ت چت گهل خوارده مه نیم

- بازارش چطور است؟

- بازاری چۆنه؟ / بازاری چۆنه؟

- خوب است، مواد خوراکی
فروش دارد

- باشه، چتی خوارده مه نی فروشی
هه یه خاسه، چت خوارده مه نی
فروشی هه س

- شریک داری یا تنهائی؟

- شه ریکت هه یه یا ته نه ای؟ /
شه ریکت هه س یا ته نی ای؟

- تنها هستم، برای خودم کار
می کنم

- ته نه ام، ئیش بو خۆم ته که م /
ته نی ام، کار بو خوه مه که م

- راستی شما، هنوز دانشگاه را
تمام نکرده ای؟

- راستی تو هیشتا زانستگه ت ته واو
نه کردوه؟

- راسی تو هیشتا دانشگاهات ته واو نه کرگه؟

- امسال تمام می شود

- ئیمسال ته واو ته بی /
ئیمسال ته واو ته وی

- دوايي چي ئه كه ي؟ / دواچار چه ئه كه ي؟	- بعد چه كار مي كني؟
- ديم بۆ تيجارەت خانە كه ي تۆ دەست بە كار ئەبم / تيم بۆ تجارەت خانە كه ي تۆ كار ئە كه م	- مي آيم تجارت خانۀ شما استخدام مي شوم
- پاو پيلاّت بان چاو / قامت بان چاو	- قدمت روي چشم
- با پروين به سته ني بخوين / با پروين به سته نيه ك بخوه ين	- برويم يك بستني بخوريم

وت و ويژي دوو كه سي كورد و فارس	هـ- گفتگوی دو نفر کُرد و فارس
کُردی	فارسی
- سه لام دۆستی خوشه ويست / سلام دۆس عەزیز	- سلام دوست عزيز
- سه لام له منه وه / سلام له من	- سلام از من
- تۆ کوردی؟ / تۆ کوردی؟	- شما کُرد هستيد؟

- خیر، من فارس هستم

- خیر، من فارس / خیر من فارس

- می دانی گُردی حرف بزنی؟

- ئەزانی کوردی قسه بکهی؟

- نمی دانم ولی دوست دارم یاد بگیرم

- نازانم، به لّام پیم خوشه فیژ بيم
- نازانم، وه لّی حهزه کهم فیژ بيم

- اگر مدتی در کردستان بمانی یاد می گیری

- ئەگەر ماوه یه ک له کوردستاندا
ببی، فیژ ئەبی
- ئەگەر بهینی له کورسانا بی، فیژ ئەوی

- امیدوارم

- هیوادارم / ئومیدوارم

- از این شهر خوشت می آید؟

- ئەم شارەت پی خوشه /
ئەم شارته پی خوه شه؟

- بسیار شهر خوبی است

- زۆر شارێکی باشه / فره شارێ خاسه

- مردمانش چطور؟

- خه لکی چۆنه؟

- مردمانی خون گرم و مهمان نواز دارد؟

- خه لکیکی خوین گهرم و میوان
دۆستی ههیه
- خه لکی خوین گهرم و میوان
نهوازی ههس

- پَڤِشتوی بۆ بازاری ئەم شارە؟
- چووگی بۆ بازار ئەم شارە؟

- نە پَڤِشتووم، هەز ئە کەم پَڤۆم /
- نە چووگم، هەز ئە کەم بچم

- سەیران گە کان و پارکە کان چۆن؟ /
- سەیا حەتگا کان و پارکە کان چۆن

- ئەم پَڤۆ قەرارە پَڤۆم بۆ چەن پارک
- ئێم پَڤۆ قەرارە بچم بۆ چەن پارک

- هیوادارم بە خوشی / ئومێدەوارم
بە خوەشی

- لە بیرت بێ مۆزەخانەیش ببینی /
- لە بیرو بێ مۆزەیش بوینی

- بە سەر چاو، لە بەرنامەم دا دای ئەتیم /
- بان چاو لە بەرناما دای ئەنم

- لە دیتن و ئاشنا بوون لە گەڵ
ئێوە دا خوشحال بووم /
- لە چاو پێ کەوتن و ئاشنا بووتنان
خوەشحال بووم

- بە بازار این شهر رفته‌ای؟

- نرفته‌ام، دلم می‌خواهد بروم

- گردشگاهها و پارکها چطور؟

- امروز قرار است بروم چند پارک

- امیدوارم به شما خوش بگذرد

- یادت باشد موزه را هم ببینی

- چشم در برنامه‌ام خواهم
گذاشت

- از دیدن و آشنایی با شما
خوشحال شدم

- منیش ههروا	- من هم همچین
- کات و ساتیکی خوش تان بیی / کات و ساتی خواهش	- لحظه و ساعاتی خوش داشته باشی
- به سپاسه وه خوداتان له گه‌ل / فره سپاس، خواحافر	- با سپاس فراوان خدا حافظ

ع- گفتگوی دو نفر مسافر در اتومبیل وت و ویژی دوو کهس له ماشین دا

فارسی	کردی
- سلام ببخشید شماره صندلی من ۱۰ است	- سه‌لام، ببوره ژماره‌ی سه‌نده‌لی من ده‌یه / - سه‌لام بوه‌خشه ژماره‌ی سه‌نده‌لی به‌که‌ی من ده‌س
- سلام از من، می‌بخشید مثل این که من عوضی نشسته‌ام	- سه‌لام له منه‌وه، ببوره وه کووچتی من هه‌له دانیشتووم. - سه‌لام له من، بوه‌خشه وه ک چتی من ئیشتا دانیشتگم
- بفرمائید در جای خودتان بنشینید	- فه‌رموو له جی‌گه‌ی خو‌تانا دانیشن / - فه‌رموو له جی‌گه‌ی خو‌ه‌تانا دانیشن

- راستی تا تهران چند ساعت راه است؟
- راستی تا تاران چهن ساعات ریگهیه؟
- راستی تا تاران چهن ساعات ریگهس؟

- در هر حال کمتر از ۸ ساعت نمی‌رسد
- له هر حال دا که متر له ۸ ساعات ناگا /

- له هر حاله تا که متر له ۸ ساعات ناگهئ

- مدّتی پلیس راه کنترل نمی‌کند، حالا چطور؟
- ماوه یه ک پولیسی ریگه چاودیری نه‌ده کرد، ئیستا چونه؟

- موده تی پولیس را کونترۆلی نه‌و، ئیسه چونه؟

- حالا دوباره کنترل می‌کند، چون چوونکه له یه ک دانی

- تصادف اتومبیل‌ها زیاد شده
- ماشینه کان زۆر بووه ته‌وه / ئیسه کونترۆل ئه‌کا چوونکه ته‌سادوف ماشین فره بووگه‌سه‌و

- با این وضع جاده‌ها، خدا همه را حفظ کند
- بهم وه زعی جاده گه‌له‌وه، خودا هه‌موومان پیاریزی /

- بهم وه زع جاده گه‌له، خواگشت لایه‌ک پیاریزی

- جه ناب، ئوتومبیل زۆرتر له پاده
زیاد بووه /

- ئاغه، ماشینه کان فره تر له ئه نازه س

- سایه قه کانیش هویشیان نی یه /
رانه نده کانیش ره عایه ت ناکه ن

- ریگه کانیشمان ئستاندارد نی یه

- به لّی ئه مانه عیله ت های
ته سادوفه کانن

- به لّی ئه مانه عیله ت گه ل ته سادوفه کانن

- جه نابت له گه ل خوارده مه نی
ناورپنگه دا به ینت هه یه؟

- جه نابت له ته ک خورد و
خوه راک ناو ریگا به ینت هه س؟

- مه گه ر زۆر ناچار بم /
مه گه ر فره ناچار بم

- به داخه وه خوړاکی کافه کان
ئه وه نده باش و جیی متمانه نی یه /
به ته ئه سوفه و، خوه راک کافه کان
ئه و نه خاس و جیگه ی ئتمینان نی یه

- آقا، ماشین ها بیش از حد زیاد
شده

- راننده ها نیز رعایت نمی کنند

- جاده هایمان نیز استاندارد نیست

- بله اینها عوامل تصادف ها
هستند

- جنابعالی با خورد و خوراک
بین راه میانه ای دارید؟

- مگر خیلی ناچار باشم

- متأسفانه خوراک کافه ها چندان
خوب و مطمئن نیست

- له ههر حالدا سه‌فه‌ره‌کانی ئەم
 رۆژگاره پر له مه‌ترسی به /
 - له ههر حالاً سه‌فه‌رگه‌ل ئیمپرو پر
 له خه‌ته‌ره

- له وت و ویژ له گه‌ل جه‌نابتا
 خوشحال بووم
 - له سو‌حبه‌ت کردن له ته‌ک جه‌نابتا
 خوه‌ش‌حال بووم.

- منیش هه‌روا

- سه‌فه‌ری خوش‌شان بیی /
 سه‌فه‌ری خوه‌شان بوئ

- هه‌روا جه‌نابتان

- در هر حال سفرهای امروز با
 خطرهای فراوان همراه است

- از گفتگوی با جنابعالی
 خوشحال شدم

- من نیز همین‌طور

- سفری خوش داشته باشید

- همچنین جنابعالی

وت و ویژی دوو خویندکاری کورد و غه‌یری کورد

۷- گفتگوی دو دانشجوی کُرد و غیر کُرد

کُردی

فارسی

- سه‌لام، رۆژ باش /
 - سه‌لام رۆژ به‌خیر

- سلام روز به خیر

- ببخشید جنابعالی کُرد هسئید؟	- بیوره جه نابت کوردی؟ / بوه خشه جه نابت کوردی؟
- بله کُرد هستم، شما چطور؟	- به لّی کوردم، تۆ چی؟ / به لّی کوردم تۆ چه؟
- من فارس هستم	- من فارسم
- اهل سنندج هستی؟	- خه لکی سنه ی؟ / خه لک سنه ی؟
- بله، شما اهل کجائی؟	- به لّی، تۆ خه لکی کوئی؟ / به لّی تۆ خه لک کوئی؟
- تهران، در رشته حسابداری اینجا درس می خوانم	- تاران، له رشته ی حه سابداری ئیره دا دهرس ته خوینم
- موقّق باشی	- پیروژی / موه فقه بی
- سپاسگزارم	- سپاس / ته شه کور ته که م
- حتماً در خوابگاه هستی	- حه تمه ن وای له خوابگا / حه تمه ن های له خوابگا
- بلی، همینطور است	- به لّی هه روایه / به لّی هه رواسه

- راحتی؟

- ره‌حه‌تی؟

- ای ... باید ساخت

- ئە‌ی ... ئە‌بێ بسازین /

- ئە‌ی .. ئە‌شی بسازین

- چند واحد پاس کرده‌ای؟

- چەند واحدت پاس کردووە؟ /

- چەن واحدت پاس کردگە؟

- ۴۰ واحد

- ۴۰ واحد

- پس فعلاً هستی

- کە وابوو ئێستا هە‌ی /

- پەس ئێسە هە‌ی

- آره چیزی پاس نکرده‌ام

- ئە‌رێ چتێکم پاس نە‌کردووە /

- ئە‌رێ چتێکم پاس نە‌کردگە

- با این شهر چطوری؟

- لە‌گە‌ڵ ئە‌م شارە‌دا چۆنی؟ /

- لە‌ تە‌ ک ئە‌م شارا چۆنی

- احساس غربت نمی‌کنم

- هە‌ستی غە‌ریبی ناکە‌م /

- ئ‌حساس غە‌ریبی ناکە‌م

- خدا را شکر

- خودا شوکر / خوا شوکر

- درسه کانت سهخت نییه؟	- درسهایت مشکل نیست؟
- حسابداریه و ئامار و ئعداد	- حسابداری است و آمار و اعداد
- ئهچیته وه بۆ مائی خوٚتان؟ / - ئهچیته وه بۆ مالّ خوٚتان؟	- به خانواده سر می زنی؟
- فقهه ده له بهینی ترمه کاند / - فقهه ده له بهین ترمه کانا	- فقط در فاصلهٔ ترمها
- باشه / خاسه	- خوب است
- هاوسه رت که نییه؟	- متأهل که نیستی؟
- ئه ی بابه، هیشتا زووه	- ئه ی بابا، هنوز زود است
- زۆر وه ختتم گرت، بیووره / - فره وه ختتم گرت بوه خشه	- خیلی وقت شما را گرفتم، بیخشید
- خواهیش ده که م، خوٚش حال بووم - خواهیشه که م خوٚش حال بووم	- خواهش می کنم، خوشحال شدم
- دووباره یه ک ئه بینین / - دواره یه ک ئه وینین	- باز هم یکدیگر را خواهیم دید

- باید به منزل ما بیایی

- ئەبێ بییت بو مالی ئیمه /
ئەشی بییت بو مال ئیمه

- چشم، خدا حافظ

- سه‌رچاو خواحافیز /
- بان چاو خواحافر

- خدا همراهت

- خودات له گهل / خواهامرات

۸- در بازار

له بازاردا / له بازارا

فارسی

کُردی

- بازار شهر کجاست؟

- بازاری شار له کوی دایه؟ /
بازار شار ها له کوینا

- دور میدان، خیابان شرقی

- دهوری مه‌بدان شه‌قامی خوره‌ه‌لات /
- ده‌ور مه‌یان خیابان شه‌رقی

- چه بازار قشنگی!

- چه بازار یکی قه‌شه‌نگه! /
چه بازار ی قه‌شه‌نگه!

- آقا ببخشید قیمت این کلاه

- آغا بی‌ووره نرخ ی ئەم کلّاوه چه‌نده؟

چقدر است؟

- آغه بوه‌خشه قیمة ئەم کلّاوه چه‌نیکه؟

- گران نیست؟	- گران نی یه؟
- کمی تخفیف بده	- که می که متر حساب که
- نه این قدر نمی دهم، کمتر	- نه نه و نه نادهم، که متر / نه نه و نه ناهم، که متر
- گرانه	- گرانه
- انصاف داشته باشید	- ینسافت بی / ینسافت بوی
- این یادگار شهر شماست	- نه مه یادگاری شاری ینو یه / نه مه یادگار شار ینو هس
- رنگی روشن بده	- رهنگی کی روشن بده / رهنگی روشن به
- رنگ تیره	- رهنگی تاریک / رهنگ تاریک
- این خوب است	- نه مه باشه / نه مه خاصه
- شماره اش چند است؟ - شماره که ی چه نیکه؟	- ژماره که ی چه نده؟ /
- کوچکتتر بده	- بووچکتتر بده / بووچکتتر به

- بزرگتر

- گه وره تر

- تخته نرد خوب کجاست؟

- ته خته نه ردی باش له کویدا به؟ /

- ته خته نه رد خاس له کوینا هه س؟

- نان برنجی مرغوب کجاست؟

- نان برنجی باش له کویدا به /

- نان برنجی خاس له کوینا هه س؟

- گیوه کُردی خوب می خواهم
بخرم

- کلاشی کُردی چاکم گه ره که بسینم /

- کلاش کُردی خاسم گه ره که بسینم

- جناب، گیوه بسیار خوب داری؟

- جه ناب، کلاشی زۆر چاکت هه به؟ /

- جه ناب، کلاش فره خاست هه س؟

- گیوه نمره ۴۱

- کلاشی نمره چهل و یه ک /

- کلاش نمره چل و یه ک

- یکدست لباس کُردی می خواهم

- دهستی جل و بهرگی کُردیم گه ره که /

- دهستی لباس کُردیم گه ره که

- شلوار کُردی خوب داری؟

- پانتۆلی کُردی باشت هه به؟ /

- ده مه وقۆپان کُردی خاست هه س؟

- دست درد نکند

- ده ست خوش بی /

- ده ست خوهش بی

- این پارچه متری چند؟	- ئەم پارچه متری چەند؟
- قواره‌ای چند؟	- قەوارە یە ک چەند؟
- چهار متر بده	- چوار گەز بده / چوار گەز به
- ولی کمتر حساب کن	- بەلام کە مەتر هێساب کە / - وەلی کە مەتر هەساو کە
- آخر ما مهمان شما هستیم	- ئاخەر ئێمە میوانی ئێوه‌ین / - ئاخەر ئێمە میوان ئێوه‌ین
- روی چشم، قابلی ندارد	- بان چاو، قابلی نی‌یه

له هوتل دا / له هوتلا

۹- در هتل

کُردی	فارسی
- سه‌لام / سلام	- سلام
- ببووره اوتاقی خالی هه‌یه؟ / - بوه‌خشه اوتاق خالی هه‌س؟	- ببخشید، اتاق خالی دارید؟

- اتاق ۳ تخته

- اوتاقی سێ تهخته / اوتاق سێ تهخته

- اتاقی آرام با سرویس

- اوتاقیکی ئارام به سرویسه وه /
اوتای ئارام به سرویسه وه

- فرمودید اتاق ۱۰۴ طبقهٔ اوّل؟

- فهرمووتان اتاقی سه دو چوار
ته به قه ی هه وه؟ /
فهرمووتان اوتاق سه وه چوار
ته به قه ی ئه وه؟

- سپاسگزارم

- سوپاس ئه کهم / سپاسگزارم

- همراهان من، همسر و فرزندم

- هاوړی کانم، هاوسهرو مندا له کهم

- این هم شناسنامهٔ ما

- ئه مه ی شش شناسنامه کانمان /
ئهمیشه شناسنامه کانمان

- یک هفته اینجا می مانیم

- یه ک هفته ئه مینینه وه /
یه ک هفته ئه می نینه وه

- برای گردش آمده ایم

- بو سه یاحهت ها توین /
بو گهر دش ها تگین

- سالن غذاخوری کجاست؟

- هۆلی خۆراک خواردن له کۆی یه؟
سالۆن غهزا خوهری ها له کۆینا؟

- پارکینگ کجاست؟

- پارکینگ له کوی یه؟ /

- پارکینگ کامه سه؟

- راندگی در شهر راحت است؟

- سایه قی له نیو شارداره حه ته؟ /

- رانه ده گی له ناو شاراره حه ته؟

- با اتومبیل خودتان در شهر

- به ماشین خۆتان له نیو شاردا

رانندگی نکنید راحت ترید

سایه قی نه کهن ره حه تـرن

- به ماشین خوه تان له ناو شارا

رانه ده گی نه کهن ره حه تـرن

- به گردشگاههای شهر چطور؟

- بو سه یرانگه کانی شار چی؟ /

بو گه ردشگا گهل شار چه؟

- اگر از کمربندی ها بروید اشکالی

- نه گه له که مه ره بندیه کانه وه پروڻ

ندارد

عه بی نی یه

- نه گه ره له که مه ره بندیه کانه وه پروڻ

عه بی نی یه.

- به راهنما نیاز داریم

- به رینوین پیو یستمان هه یه /

به ری نما نیازمان هه س

- کسی را سراغ دارید ما را

- که سی شک نه به ی ئیمه رینوینی بکا؟ /

- که سی شک نه وه ی ری نمایمان بکا؟

راهنمائی کند.

- یکی از گارسن های هتل را
همراه شما می فرستم

- یه کئی له هاوکارانی هوئیل له
گه لئانا ده نیرم /
- یه کئی له هاوکار گهل هوتل له
ته کئانا ئه نیرم

- بسیار سپاسگزارم

- زۆر سوپاستان ده کهم /
- فره سپاستان ئه کهم

- پس عصر زحمت خواهیم داد

- که وابوو دواى نیوه پۆزه حمهت ئه دهین
- پهس دواى نیمه پۆزه حمهت ئاین

- بسیار خوب، فعلاً استراحت
کنید

- زۆر چاکه، ئیستا پشوو بدهن /
- فره خاسه ئیسه ئیسراحت بکهن

- با اجازه

- به ئیجازه

۱۰- عید مبارکی

جهژنه پیروژه / جهژن مواره کی

فارسی

کُردی

- سلام

- سه لام / سلام

- سال جدید را تبریک می گویم

- سالی نوئ پیروزیایی ده کهم /
سال تازه ته تبریک ئیژم

- سال نو را تبریک عرض می‌کنم
- سالی نوی پیرۆزبایی عه‌رز ده که‌م
- سال تازه ته‌بریک عه‌رز ته که‌م

- من هم خدمت جنابعالی تبریک
عرض می‌کنم
- منیش به جه‌نابتان پیرۆزبایی عه‌رز
ده که‌م

- منیش به جه‌نابتان ته‌بریک عه‌رز ته که‌م

- امیدوارم سالی خوش و توأم با
تندرستی پیش رو داشته باشید
- هیوادارم سالی کی خوش له‌گه‌ل
له‌ش ساغی تان له‌پیش داییت /
- ئومیده‌وارم سالی خواهش و پر له
سلامه‌تان ییت

- همان طور برای خانواده محترم و
بستگانتان
- هه‌روه‌ها بو‌بنه‌ماله‌ی به‌ریزو قه‌وم
و که‌ستان /

- هه‌روا بو‌خانه‌واده‌ی موخته‌ره‌م و
فامیلتان

- عید قربان را تبریک عرض
می‌نمایم
- جه‌ژنی قورباتان پیرۆزبایی عه‌رز
ده که‌م /

- جه‌ژن قورباتان پی ته‌بریک
عه‌رز ته که‌م

- عید رمضان را ...
- جه‌ژنی ره‌مه‌زانتان ... /
جه‌ژن ره‌مه‌زانتان ...

- به جنابعالی نیز مبارک باد

- له جه نایشتان پیروزی بی /
له جه نایشتان موباره ک بی

- حلالمان کنید

- گهرده نمان ئازاکه

- حلال باشید. شما نیز ما را حلال
کنید

- گهرده نت ئازا بی ، تویش گهرده ن
من ئازاکه

- در راه خدا حلال باشید

- له پئی خوا ئازا بی / له ریگهی
خوا ئازا بی

- عیدتان مبارک

- جه ژنتان پیروزی /
جه ژنتان موباره ک

- بر شما نیز مبارک

- له ئیوه ییش پیروزی / له ئیوه ییش موباره ک
- سه د سال وه ک ئه م سالانه /
- سه د سال وه ک ئه م سال گه له

- صد سال به این سالها

- از کارت تبریک جنابعالی
سپاسگزارم

- له کارت پیروزیایی جه نابت
سو پاس ئه که م /
- له کارت ته بریک جه نابت
سو پاس ئه که م

- خواهش می کنم، وظیفه بود

- تکایه، ئه رکی سه رشانم بوو /
خواهش ئه که م، وه زیفه و

سەرەخۆشی / سەرخواهشی	۱۱- تسلیت
کۆردی	فارسی
<p>- جه‌نابی ... خانمی ... /</p> <p>- جه‌ناب ... خانم ...</p>	<p>- آقای خانم</p>
<p>- خه‌ساره‌تی پیش هاتوتان</p> <p>سەرەخۆشی پێ عەرز دە کهم /</p> <p>- ئەم موسیبه‌ته به ئیوه سەرخواهشی</p> <p>عەرز ئە کهم</p>	<p>- مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌کنم</p>
<p>- زۆر مه‌منوونم ئیوه سه‌لامه‌ت بن</p> <p>- فره‌مه‌منوونم ئیوه سه‌لامه‌ت بن</p>	<p>- بسیار ممنونم، شما سلامت باشید</p>
<p>- له‌خه‌متاندا شه‌ریکم /</p> <p>- له‌خه‌متانا شه‌ریکم</p>	<p>- در غمتان شریکم</p>
<p>- خودا سه‌بووریتان پێ بدا /</p> <p>خوا سه‌بووریتان پێ با</p>	<p>- خداوند به شما صبوری بدهد</p>
<p>- خه‌م (خه‌می) ئاخرتان بێ</p>	<p>- غم آخرتان باشد</p>
<p>- خودا رو‌حیان به به‌هه‌شت شاد</p> <p>بفه‌رموێت</p>	<p>- خدا روحشان را به بهشت شاد فرماید</p>

<p>- له‌وه‌ی دیر‌گه‌ی شتمه‌ خزمه‌تتان بی‌وورن، له‌ سه‌فه‌ر بووم / - له‌وه‌ که دیر‌گه‌یمه‌ خزمه‌تتان ب‌ه‌ه‌خشن، له‌ سه‌فه‌را و‌م</p>	<p>- از اینکه دیر خدمت رسیدم مرا ببخشید، در مسافرت بودم</p>
<p>- ته‌مه‌نی در‌یژی بو ئیوه‌ به‌ جی هیشتی / - عومر در‌یژی بو ئیوه‌ جی هیشتوی</p>	<p>- عمر طولانی برای شما به‌ جا گذاشته‌ باشد</p>

۱۲- تبریک مراسم عروسی / پیر‌و‌زبایی زه‌ماوه‌ن / ته‌بریک زه‌ماوه‌ن

گُردی	فارسی
<p>- سه‌لام، ئەم پێوه‌نده‌ موباره‌ که به‌ جه‌نابتان، دۆستانه‌ پیر‌و‌زبایی عه‌رز ده‌که‌م / - سه‌لام، ئەم وه‌سه‌له‌ته‌ موباره‌ که به‌ جه‌نابتان، دۆسانه‌ ته‌بریک عه‌رز ئەکه‌م</p>	<p>- سلام، این وصلت مبارک را به‌ جنابعالی صمیمانه‌ تبریک عرض می‌نمایم</p>
<p>- زۆر مه‌منوونم، زه‌حمه‌تتان کێشا - فره‌مه‌منوونم، زه‌حمه‌تتان کێشا</p>	<p>- بسیار ممنونم، زحمت کشیدید</p>
<p>- پا به‌ پای یه‌ ک پیر بن</p>	<p>- پا به‌ پای هم پیر شوید</p>

- بیت الله تشریف ببرید	- بهیت الله ته شریف ببهن / بهیت الله ته شریف بوهن
- به عاقبت خیری و سلامت	- به عاقیبهت خیری و سه لامهت / - به عاقبهت خیری و سلامت

۱۳- خرید روزانه	کړینی پوژانه / خهريد روژانه
فارسی	کُردی
- آقا لطفاً یک کیلو سبزی خوردن	- ئاغا، لوتفهن یه ک کیلو سهوزی خواردن
- دو کیلو سبزی خورشتی	- دوو کیلو سهوزی خوورشتی
- لطفاً یک هندوانه و دو خربزه	- لوتفهن شووتی یه ک و دوو کاله ک - لوتفهن هه نی یه ک و دوو کاله ک
- آقا پرتقال خوب داری؟	- ئاغا پرته قالی باشت هه یه؟ / - ئاغه پرته قال خاست هه س؟
- سه کیلو درشت و خوب لطف کنید	- سی کیلو دوروشت و باش لوتف که / - سی کیلو دوروشت و خاس لوتف که

- ببخشید سیب زمینی کیلویی
چند؟

- ببووره سیّوه عه ز یله کیلوئی
چه ند؟

- بوه خشه سیف زه مینی کیلویه ک
چه نیکه؟

- مال کجاست؟

- هی کوی یه؟ / هین کوی نه س؟

- پیاز خوب هم داری؟

- پیازی باشیشت هه یه؟

- پیاز خاسیشت هه س؟

- از هر کدام ۵ کیلو بدهید

- له هه رکامیان پینج کیلو بده /

- له هه رکامیان په نج کیلو به

- دستت درد نکند

- ده ستت خوۆش بی

- ده ستت خووه ش بی

- بفرما، چقدر باید تقدیم کنم؟

- فهر موو، چه نده ئه بی ته قدیم که م؟ /

- فهر موو، چه نی ئه شی ته قدیم که م؟

ناو و هه‌وا له وه‌رزه‌کاندا (له‌فه‌سله‌کانا)	۱۴- آب و هوا در فصلها
کُردی	فارسی
- هه‌وای ئێره‌ چه‌ندی سارده	- هوای اینجا چقدر سرد است!
- ئه‌مسال زوو به‌فر باری	- امسال زود برف بارید
- ئه‌لعان ئه‌بێ چه‌راره‌ت ژێری سفر بێ / - ئه‌لعان ئه‌شی چه‌راره‌ت له‌ ژێر سفر بێ	- حالا باید حرارت زیر صفر باشد
- ئه‌بێ جاکه‌ت و پالته‌ له‌ به‌ر که‌ین / - ئه‌شی جاکه‌ت و پالتاو بکه‌ینه‌ به‌رمان	- باید ژاکت و پالتو بپوشیم
- ئه‌بێ هۆشمان بێ سه‌رما نه‌خوین - ئه‌شی هۆشمان بێ سه‌رما نه‌خوه‌ین	- باید مواظب باشیم سرما نخوریم
- هه‌واناسی وتی هه‌م‌دیسان به‌فر ده‌باری - هه‌واناسی وتی بازه‌م به‌فر ئه‌واری	- هواشناسی گفت باز هم برف می‌بارد
- بای توندی دی / بای تونی تی	- باد شدید می‌وزد
- هه‌وا زۆر سارده / هه‌وا فره‌ سارده	- هوا بسیار سرد است
- سه‌فه‌ر جێگه‌ی مه‌ترسی به / سه‌فه‌ر خه‌ته‌ر	- مسافرت خطرناک است

- پۆلیسی رینگه جه ختی کردوه، بی
 وه سیلهی ئه منی سه فهر نه کهن /
 - پۆلیس راه ته وسیه ی کردگه بی
 وه سیلهی ئیمه نی سه فهر نه کهن

- رویشتن بو کیویش خه تهره /
 روین بو کیفیش خه تهره

- مومکینه ههره س بی

- ههوا زور خوشه /
 ههوا فره خوه شه

- ههوا ی به هاری یه

- گهر دش له م ههوا دا له زه تی هه یه
 - گهر دش له م ههوا له زه تی هه س

- باران نمه نمه ده بار ی /
 باران نم نم ئه واری

- حه ز ئه که ی قه ده می لی به ی ن ؟

- حازرم

- پلیس راه توصیه کرده بدون
 وسایل ایمنی سفر نکنید

- رفتن به کوه نیز خطرناک است

- ممکن است بهمن بیاید

- هوا بسیار خوب است

- هوای بهاری است

- گردش در این هوا لذت دارد

- باران نم نم می بارد.

- موافقید قدمی بزنیم؟

- موافقم

- بلند شو

- هه‌سه

- چترت را فراموش مکن

- چه‌تره که‌ت له بیر نه‌چی

- برویم جاده‌ی آیدر

- بروین بۆ جاده‌ی ئاییدەر (ئاویەر)

- هوا چقدر گرم است

- هه‌وا چه‌نده گه‌رمه

- هه‌وا چه‌نی گه‌رمه

- امسال از پارسال گرم‌تر است

- ئیمسال له پاره‌که گه‌رم‌تره

- تابستان گرمی داریم

- هاوینیکی گه‌رم‌مان هه‌یه /

تاو سانی‌ک گه‌رم‌مان هه‌س

- سال به سال گرم‌تر می‌شود

- سال به سال گه‌رم‌تر ئه‌بی /

سال به سال گه‌رم‌تر ئه‌وی

- درکوه و دشت نیز آدم طاقت

- له‌کیو و ده‌شتیشدا مرو‌ف تاقت نایه‌ری

- له‌کیف و ده‌شتیشا ئینسان تاقت

نمی‌آورد

نایه‌ری (تاقت ناگری)

- برگ درختان کم‌کم زرد شد

- گه‌لای داره‌کان که‌م که‌م زه‌رد بوو

- پاییز است

- پایزه

- پاییز در اینجا بسیار زیبا است

- پاییز لیره دا زوڤر قه شه‌نگه /
- پاییز لیرا فره قه شه‌نگه

- یکی دو هفته دیگر به رنگ
درختان نگاه کن

- یه کئی دوو هفته‌ی تر بو ره‌نگی
(ره‌نگ) داره کان ته‌ماشاکه

- گردش در این فصل لذت دارد

- گه‌ردش له‌م وه‌رزهدا له‌زه‌تی هه‌یه
- گه‌ردش له‌م فه‌سلا، له‌زه‌تی هه‌س

- بیا آرام آرام در کنار این درختان
قدم بزنیم

- وه‌ره هیواش هیواش له‌که‌ناری
ئه‌م دارانه‌وه قه‌ده‌م لی‌ بدیه‌ین /
هه‌لسه ئارام ئارام له‌که‌نار ئه‌م
دارگه‌لا قاه‌م لی‌ به‌ین

- حازرم

- آماده‌ام

۱۵- نزد پزشک

له‌ لای دوکتوردا (دوکتور)

فارسی

کُردی

- آقای دکتر سلام

- ئاغهی دوکتور سه‌لام (سلام)

- سلام عزیزم، بلا دور است

- سه‌لام ئازیزم به‌لا دووره /
سلام عه‌زیزم، به‌لا دووره

- متشکرم، آقای دکتر، پاهایم درد می‌کند
- سوپاست ده کهم جه‌نابی دوکتور،
لاقم ئیشی

- ته‌شه کور ته کهم ئاغهی دوکتور
پاگه‌لم ئیشی

- بفرما، دراز بکشید
- فه‌رموو پال‌که‌وه

- اینجای پایت درد می‌کند؟
- ئیره‌ی پات ئیشی؟

- بله، درد بالا و پایین می‌کند
- به‌لێ ئیشه‌که سه‌رو خوار ده‌کا /
- به‌لێ ئیشه‌که سه‌رو خوار ته‌کا

- به‌نظرم آرتروز داری
- به‌پر‌وای من ئارتور‌ۆزت هه‌یه؟
- به‌نه‌زهرم ئارتور‌ۆزته

- باید عکسی از پایت بگیری
- ئه‌بێ عه‌کسی له‌ لاقت بگری
- ئه‌شی عه‌کسی له‌ پات بگری

- حالا هم قرصی می‌نویسم دردت آرام بگیرد تا بعد از عکس
- ئیستاش هه‌بێ کت بو‌ئه‌نووسم
ئیشه‌که‌ت ئارام بگری تا دوا
عه‌کسه‌که

- فشار خون و حرارت بدنت را هم می‌گیرم
- فشاری خوین و تینی له‌شت با بگرم
- فشار خوین و هه‌راره‌ت‌بشت با بگرم

- طبیعی است، جای نگرانی نیست

- آقای دکتر در راه رفتن درد دارم

- نگران نباش

- وزن چقدر است؟

- هفتاو هشت کیلو

- باید چند کیلو وزن کم کنی

- عکس را کجا بگیرم؟

- خیابان پایین تر رادیولوژی ...

- فرمایشی نداری؟

- سوروشتی یه و جیگهی مه ترسی نی یه
ته بی عییه و جیگهی ترسی نی یه

- ئاغهی دوکتور له ریگه رۆیندا ئیشم
- هه یه ئاغهی دوکتور له ریگه روینا
ئیشم هه س

- نارە حەت مە بە / نارە حەت مە وە

- وە زنت چە ندە؟

- وە زنت چە نیکە؟

- حە فتاو هە شت کیلو

- ئە بی چە ند کیلو وە زنت کە م بکە یە وە

- ئە شی چە ن کیلو وە زنت کە م بکە یە و

- عە کسە کە لە کوێ بگرم؟

- شە قامی خوارتر رادیولۆژی ... /

- خیابان خوارتر رادیولۆژی ...

- فەرمایشیکت نی یه؟

- نه خێر خودا حافیز
- نه خێر خوا حافز

- خیر، خدا حافظ

۱۶- احوال پرسى عادى و دوستانه نه حوال پرسى ئاسایی و دوستانه

کوردی	فارسی
- سه لام، چۆنى؟ / سلام، چۆنى؟	- سلام، چطورى؟
- چه ئه کهى، به چى يه وه سه رقالى؟ - چه ئه کهى؟ به چه مه شغوولى؟	- چه کار مى کنى؟ به چه مشغولى؟
- چه خه بهر؟ باوه ئه کهى لیمان ناپرسى؟ - چه خه وهر؟ لیمان ناپرسى؟	- چه خبر؟ از ما نمى پرسى؟
- عه یی نى یه، خوشت بى / قهى ناکا، خوه شو بى	- عیب نداره، بهت خوش بگذره
- مأل و مندال چۆن، هه موو باشن؟ - مأل و منال چۆن، گلابه ک خاسن؟	- خانواده چطورن؟ همه خوبن؟
- بى با پرۆينه وه بو مأل - بى با بچينه وه بو مأل	- بيا بریم منزل

- مەمنوون، ئیشم هه‌یه‌ ئه‌بێ پرۆم
- مەمنوون، کارم هه‌س، ئه‌شی پرۆم

- ممنون، کار دارم، باید بروم

- سوپاس، خودا حافیز
- سپاس، خوا حافظ

- مرسی، خدا حافظ

نەحوال پرسی رسمی و به‌ نەدەبه‌وه

۱۷- احوال پرسی رسمی و مؤدبانه

کُردی

فارسی

- به‌ریزه‌وه، حالی جه‌نابتان چۆنه‌؟
- عه‌رز ئه‌ده‌بم هه‌س، حال
جه‌نابتان چۆنه‌؟

- عرض ادب، حال سرکار چطور
است؟

- بیوره، به‌ چ ئیشیکه‌وه‌ سه‌رتان قاله‌؟ /
- ئه‌وه‌ خشن به‌ چ کاریکه‌و سه‌رتان
گه‌رمه‌؟

- ببخشید به‌ چه‌ کاری سرگرم
هستید؟

- ماوه‌یه‌ که‌ له‌ حالی جه‌نابتان
خه‌به‌رمان نی‌یه‌
- به‌یئیکه‌ له‌ حال جه‌نابتان
بی‌خه‌وه‌رین

- مدتی است از حال سرکار
بی‌خبریم

- امیدوارم حالتان خوب و بی ملال - هیوادارم حالتان باش و دوور له
باشد په ژاره بن

- ئومیده‌ارم حالتان خاس و
بی مزه‌ره‌ت بن

- خانوادة محترم الحمد لله
سلامت‌اند؟ - بنه‌ماله‌ی به‌پریتان شوکر بو خودا
سه‌لامه‌تن؟

- خانه‌واده‌ی موخته‌رم‌تان
ئه‌لحه‌مدولله‌ سلامه‌تن؟

- افتخار بدهید خدمت باشیم؟
- سه‌ره‌به‌ر زمان بفه‌رموو له
خزمه‌ت‌اندا بین
- ئیفتخارمان پی به‌له‌ خزمه‌ت‌انا وین

- متشکرم، کار دارم، مرخص
می‌شوم
- سوپاستان ئه‌که‌م، ئیشم هه‌یه، له
خزمه‌ت‌ان مه‌ره‌خه‌س ئه‌بم
- سپاس ئه‌که‌م، کارم هه‌س، له
خزمه‌ت‌ان مه‌ره‌خه‌س ئه‌وم

- با اجازه
- به‌ئیجازه / به‌ئیجازه

آن چه در این قسمت می آید، صد جمله غالباً پرسشی است که در زندگی روزمره مورد استفاده می باشد و می تواند به عنوان مجموعه ای ذخیره ذهنی برای خواننده مفید واقع شود. این جمله ها در موضوعهای گوناگون و برای موقعیت های مختلف تنظیم شده و از تنوعی گسترده برخوردار است.

۱۸- صد عبارت گوناگون و ضروری سه د رسته ی جوړا جوړو پیو یست

فارسی	کُردی
۱- صبح به خیر، حالت چطور است؟	۱- روژباش، حالت چۆنه؟ - روژ به خیر، حالت چۆنه؟
۲- کی از خواب بیدار شدی؟	۲- که ی له خه وه لساوی؟ - که ی له خه وه لساگی؟
۳- مثل این که امروز زیاد کار داری؟	۳- وه کوو چتی ئه مپرو زور ئیشت هه یه؟ - وه ک چتی ئیمپرو فره کار ته س؟
۴- احساس خستگی نمی کنی؟	۴- ههستی شه که تی نا که ی؟ - ئی حساس خه سه گی نا که ی؟
۵- اینجا چه کار می کنی؟	۵- لیره دا چی ده که ی؟ - له گرا چه ئه که ی؟

۶- آمده‌ای کسی را ببینی؟

۶- هاتووی که سێ ببینی؟

- هاتگی که سێ بوینی؟

۷- موافقی با هم به سینما برویم؟

۷- هه‌ز ئه‌ که‌ی پێکه‌وه‌ برۆین بۆ سینهما؟

- هه‌زه‌ که‌ی به‌یه‌ که‌و به‌چین بۆ سینما؟

۸- تصوّر می‌کنی امروز باران

۸- بَلّی ئه‌مپڕۆ باران بیاری؟

بیارد؟

- بیژێ ئیمپڕۆ باران بواری؟

۹- زبان کردی یاد گرفته‌ای؟

۹- زمانی کوردی فیژ بووی؟

- زوان کوردی فیژ بووگی؟

۱۰- داری کُردی یاد می‌گیری؟

۱۰- خه‌ریکی کوردی فیژ ئه‌بی؟

- خه‌ریکی کوردی فیژ ئه‌وی؟

۱۱- این منظره چقدر قشنگ

۱۱- ئه‌م دیمه‌نه‌ چهنده‌ جوانه‌، وانی به‌؟

است، این طور نیست؟

- ئه‌م مه‌نزهره‌ چهنێ قه‌شه‌نگه‌، وانی به‌؟

۱۲- مثل این که حالت چندان

۱۲- وه‌ کوو چتێ حالت ئه‌وه‌نده‌

خوش نیست؟

باش نه‌بی

- وه‌ ک چتێ حالت فره‌ خاس نه‌وی

۱۳- صدایت خوب است؟

۱۳- ده‌نگت خو‌شه‌؟

- ده‌نگت خوه‌شه‌؟

۱۴- لیره وه تائهوئ چهنده
ریگهیه؟

- لیره وه تا ئینه چهنی ریگهس؟

۱۵- به زه حمهت نه بی ئه و چرا
روشن ئه که ی؟

- بی زه حمهت ئه و چرا روشن ئه که ی؟

۱۶- ئه مسال هاوین چووی بو سه فه ر؟
- ئیمسال تاوسان چویت بو سه فه ر؟

۱۷- نه خوشی به که ت چاک بوه ته وه؟
- نه خوه شیه که ت خاسه و بوو که؟

۱۸- خه لکی کام شاری؟
- منال کام شاری؟

۱۹- له روشن کردنی تله ویزیون
ناپه حهت نابیی؟
- له روشن کردن تله ویزیون
ناپه حهت ناوی؟

۲۰- پشتم ئیشی

۱۴- از اینجا تا آنجا چقدر راه
است؟

۱۵- لطفاً آن چراغ را روشن
می کنید؟

۱۶- امسال تابستان به مسافرت
رفتید؟

۱۷- کسالت شما برطرف شده است؟

۱۸- بچه کدام شهری؟

۱۹- از روشن کردن تلویزیون ناراحت
نمی شوی؟

۲۰- پشتم درد می کند

۲۱- باید بروم پیش پزشکی دیگر
۲۱- ئەبێ بـرۆم بـۆ لای
دوکتۆریکی تر

- ئەشی بچم بۆ لای دوکتۆری تر

۲۲- ممکن است شماره تلفن
خودت را به من بدهید؟
۲۲- ئەبێ ژماره ته له فوونی خۆتم
پێ بدهی؟

- ئەوهی شمارهی تلیفون خوه تم
پێ بهی؟

۲۳- راستی از رانندگی در
خیابان ها ناراحت نیستی؟
۲۳- راستی له لیخوڕپینی ماشین له
شه قامه کانداه قه لاس نیت؟

- راستی له رانه ندە گێ له خیابانه کانا
ناره حهت نیت؟

۲۴- محصول عمده این شهر
چیست؟
۲۴- به ره هه می گرینگێ ئەم شاره چیه؟
- مه حسوول عومده ی ئەم شاره چه س؟

۲۵- مردم از کار و کاسبی
خودشان راضی هستند؟
۲۵- مه ردوم له ئیش و که سبێ
خوایان رازین؟

- مه ردوم له کار و کاسبی خوه یان
رازین؟

۲۶- راستی آن صدا چه بود؟
۲۶- راستی ئەو دهنگه چی بوو؟ -
راسی ئەو دهنگه چه و؟

۲۷- له چ نهوع وه رزشی خۆشت دئ؟
- به چ نهوع وه رزشی ههزه که ی؟

۲۸- خه لکی کوئی؟ کوینده ریت؟
- خه لک کوینه ی؟ کوینه ییت؟

۲۹- له کوئ ژیان ته که ی؟
- له کوئ زنگی ته که ی؟

۳۰- له ئاسایشگه دای یا مالت به
کری گرتووه؟
- های له خوابگا یا مالت ئیجاره کردگه؟

۳۱- زۆرتر ههزه به خویندنه وه ی
چ کتیب هایه ک ده که ی؟
- فره تر ههزه که ی چ کتیوگه لی بخوینی؟

۳۲- شه هاده ی لیخوړینی ماشینت هه یه؟
- گه واهینامه ی رانه نده گیت هه س؟

۳۳- به رقلیان چی ده خوی؟
که ره و موره با، په نیرو چای شیرین،
ماست و هیلکه و روڤ؟

- سبجانه چه ته خوه ی؟ که ره و

موره با، په نیرو چای شیرین، ماس و

نیه ی؟ (له یه واکه یه یه)

۲۷- به چه نوع ورزشی علاقه
داری؟

۲۸- اهل کجائی؟ کجایی هستی؟

۲۹- کجا زندگی می کنی؟

۳۰- خوابگاه هستی یا خانه اجاره
کرده ای؟

۳۱- بیشتر به خواندن چه کتابهایی
علاقه داری؟

۳۲- گواهینامه رانندگی داری؟

۳۳- صبحانه چه می خوری؟
کره و مربا، پنیر و چای شیرین،
ماست و نیمرو؟

۳۴- میل ندارم چیزی بخورم

۳۴- ئیشتیام نی یه چتی بخۆم
- مه یلم نی یه چتی بخوه م

۳۵- بسیار گرسنه ام، برویم چیزی
بخوریم، موافقی؟

۳۵- زۆر برسیمه، برۆین چتی
بخۆین، هاوړیی ده که ی؟
- فره برسیمه، بچین چتی بخوه یین،
خاسه؟

۳۶- خوراک پزی خوب کجاست؟

۳۶- چیشتهخانه ی باش له کویدا یه؟
- خوهراک په زی خاس ها له کویتا؟

۳۷- برای این چند روز تعطیلی
برنامه ات چیست؟

۳۷- بۆ ئەم چەند رۆژ پشوو دانە
به برنامه ت چی یه؟
- بۆ ئەم چەن رۆژ تەعتیلی یه
به برنامه ت چه س؟

۳۸- جمعیت این شهر (یا این کشور)
چقدر است؟

۳۸- ژماره ی نفووسی ئەم شاره
(یا ئەم ولاته) چەندە؟
جه معیەت ئەم شاره (یا ئەم ولاته)
چه نیکه؟

۳۹- هوای امروز بسیار مطبوع
است، این طور نیست؟

۳۹- هه وای ئەمڕۆ زۆر خۆشه. وانی یه؟
- هه وای ئیمرۆ فره خوه شه.
وانی یه؟

۴۰- ببوره، پهرداخێ ئاوی

خواردن دینی؟

- بوه خشه، لیوانی ئاو خواردن

تیری؟

۴۱- موباره که چ جل و بهرگیکی

باشت له بهر کردوه

- مواره که چ لیباسی قه شهنگ هاله بهرتا

۴۲- سهیرانگه کانی ئەم شاره له

کویدا یه؟

- گهردشگا گهل ئەم شاره هاله کوینا؟

۴۳- شهقامی که مهربه بندی شار له

کویدا یه؟

- جادهی که مهربه نی شار ها له کوینا؟

۴۴- خه بهرهای تازه چی یه؟ -

خه وه رگهل تازه چهس؟

۴۵- دینی روژی ههینی پیکه وه

پروین بوکیو؟

- تیت روژ جومعه به یه که و بچین

بوکیف؟

۴۰- ببخشید، یک لیوان آب

خوردن می آورید؟

۴۱- مبارک است چه لباس خوبی

پوشیده اید.

۴۲- گردشگاه های این شهر کجاست؟

۴۳- جاده کمربندی شهر

کجاست؟

۴۴- اخبار تازه چیست؟

۴۵- می آیی روز جمعه با هم

به کوه برویم؟

۴۶- پیکه وه مهرج بیهستین بزانی

کامیان سه ره که ون؟

- به به که وشه رت بوه سین بزانی

کامیان ته بوه نه و؟

۴۷- مهیدانی فووتبالی ته م شاره له

کویدا به؟

- مهیدان فووتبال ته م شاره ها له کویتنا؟

۴۸- توبه ئیشی کشت وکاله وه سه رقالی؟

- تو کار که شاهه رزی ته که ی؟

۴۹- ته م ولاته زورتر بو ئاژه لداری

به کار دی

- ته م ولاته فره تر بو حه یوان داری

مونه به

۵۰- پله ی هه وای ته مپرو چه نه و؟

- ده ره جه ی هه وای ئیمرو چه تیکه؟

۵۱- چ سه عاتی چاوه ری هانت بم؟

- چ سه عاتی مائل (یا: ته ما هر)

هانت بم؟

۴۶- با هم شرط ببندیم که

کدامیک برنده می شوند؟

۴۷- میدان فوتبال این شهر

کجاست؟

۴۸- شما به کار کشاورزی مشغول

هستی؟

۴۹- این مناطق بیشتر برای

دامداری (دامپروری) مناسب

است.

۵۰- حرارت هوای امروز چقدر

است؟

۵۱- چه ساعتی منتظر آمدنت باشم؟

۵۲- ئەو ئامانەتەت بۆ ھواردم؟ -

ئەمانەتە کەت بۆ ھواردم؟

- ئەو ئامانەتەت بۆم ھوارد؟ -

ئامانەتە کەت بۆم ھوارد؟

۵۳- خوش بە حالت، جیگە یە کی

باشت ھە یە

- خوش بە حالت، جیگە یە ک خاستەس.

۵۴- زمانی تورکی دەزانی؟

- زوان تورکی ئەزانی؟

۵۵- دەچی بۆ کلاسی ئینگیزی؟

- ئەچی بۆ کلاس ئینگلیسی؟

۵۶- لە بارە ی پۆست

مودیرنیسمەو چی دەزانی؟

- لە بارە ی پۆست مودیرنیسمەو چی

ئەزانی؟

۵۷- لە معماری کۆن خوشت دی

یا مودرن؟

- لە معماری قەیمی خوە شووتی یا

جە دید؟

۵۲- آن امانت را برایم آوردی؟

ئەمانەتە کەت بۆم ھواردم؟

- ئەو ئامانەتەت بۆم ھوارد؟ -

ئامانەتە کەت بۆم ھوارد؟

۵۳- خوش بە حالت، جای خوبی

داری.

- خوش بە حالت، جیگە یە ک خاستەس.

۵۴- زبان ترکی بلدی؟

- زوان تورکی ئەزانی؟

۵۵- به کلاس انگلیسی می روی؟

- ئەچی بۆ کلاس ئینگلیسی؟

۵۶- درباره پست مدرنیسم چه

می دانی؟

- لە بارە ی پۆست مودیرنیسمەو چی

ئەزانی؟

۵۷- معماری سنتی را دوست

داری یا مدرن را؟

- لە معماری قەیمی خوە شووتی یا

جە دید؟

- ۵۸- با مطالعه روزنامه و مجله
چطوری؟
- ۵۸- له گەڵ خوێندنهوهی رۆژنامه
و گوڤاردا چۆنی؟
- ۵۹- له تهك خوهندنهوهی رۆژنامه و
موچه لا چۆنی؟
- ۵۹- ئه بێ پێنوسه كه تم پێ بدهی؟
من بدهی؟
- ۶۰- سینمای X فیلم خوبی
آورده برو آن را ببین
- ۶۰- سینه‌مای X فیلمیکی باشی
هاوردوه، پرۆبی بینه
- ۶۱- سینمای X فیلمی خاصی
هاوردگه، بچۆبی وینه
- ۶۱- چطور حرکت کردی؟ با چه؟
وسيله‌ای؟
- ۶۱- چۆن رێ كه وتی؟ به چی رێ
كه وتی؟
- ۶۲- چۆن كه ئه بته رینگه؟ به چه رێ كه وتی؟
- ۶۲- اجازه هست در را ببندم؟
ئيجازه ههس درگا كه بههستم؟
- ۶۲- ئه بجا بههس درگا كه بههستم؟
ئيجازه ههس درگا كه بههستم؟
- ۶۳- فردا ساعت ۴ به انجمن
ادبی مولوی خواهم رفت
- ۶۳- سه‌پینی سه‌عانی چوار ده‌چم
بو کۆری ئه‌ده‌بی مه‌وله‌وی
- ۶۳- سه‌بها سه‌عات چوار ئه‌چم بو
ئه‌نجومه‌ن ئه‌ده‌بی مه‌وله‌وی

۶۴- ئەو شاعیریکی توانایه،

وانی یه؟

- ئەو شاعری ته وanas، وانی یه؟

۶۵- هه موو پیکه وه به کو مه ل

ری که وین

- گشتمان به یه که وه سه جه مبی

بکه فینه ریگه

۶۶- تاکه ی دوکان و بازار نابەسری؟

- تاکه ی دوکان و بازار ناوه سگی؟

۶۷- سه باره ت به وتاره که ی X

نه زه ری تو چیه؟

- له باره سوخه نرانییه که ی X وه

نه زه رت چه س؟

۶۸- دیست پیکه وه برۆین بو

پیشانگه ی کتیب؟

- تیت به یه که و بچین بو نمایشگای کتیبو؟

۶۹- ئیستایش له هه مان شوین سهر

قالی ئیشی؟

(... له هه مان شوین ئیش ده که ی؟)

- ئسه بشه له و حنکا کا، ئه که ی؟

۶۴- او شاعری توانا است.

این طور نیست؟

۶۵- همه با هم و دسته جمعی

حرکت کنیم.

۶۶- تاکی دکان و بازار باز است؟

۶۷- درباره سخترانی X نظرت

چیست؟

۶۸- می آیی با هم به نمایشگاه

کتاب برویم؟

۶۹- حالا هم در همان جا مشغول

کار هستی؟

۷۰- سه عاتی ئیشت له حهفته دا کهم
نه کردوه تهوه؟

- سه عات کارت له حهفتا کهم
نه کردگه سهو؟

۷۱- به نه زهری توو ئهم سه یاره
بسینم؟

- به نه زهر توو ئهم ماشینه بسینم؟

۷۲- بوچی مرووف ئه بی له دانی
باجی دارایی (مالیات) قه لاس بن؟
- بوچه مهردم ئه شی له داین مالیات
ناره حهت بن؟

۷۳- سه بارهت بهم ماله ره ئی توو
چییه؟ گهره کهم موعامه له ی بکه م.
- له باره ی ئهم مالهو نه زهر توو چه س؟
گهره کهم مامه له ی بکه م

۷۴- راسته ئه لێن: سیاست باوک و
دایکی نی یه؟
- راسته ئیژن: سیاست باوک و
دایکی نی یه؟

۷۰- ساعات کارت را در هفته
کم نکرده ای؟

۷۱- به نظر شما این اتومبیل
را بنخرم؟

۷۲- چرا مردم باید از دادن
مالیات ناراحت باشند؟

۷۳- درباره این خانه نظرت
چیست؟ می خواهم آن را
معامله کنم

۷۴- راست است است می گویند:
سیاست پدر و مادر ندارد؟

۷۵- چرا با X میانه نداری؟

۷۵- بۆچی له گهڵ X دا به پنت نی یه؟
- بۆچه له ته ك X..ا به پنت نی یه؟

۷۶- از آب و هوای اینجا خوشتر
می آید؟

۷۶- ئاوو هه‌وای ئێهه‌ ته‌ پێ خۆشه‌؟
- له‌ ئاوو هه‌وای ئه‌ گره‌ خه‌وشته‌ تێ؟

۷۷- در طول روز وقت کافی برای
استراحت داری؟

۷۷- له‌ پوژدا ئه‌وه‌نده‌ ماوه‌ ته‌ به‌ به‌
پشوو به‌ ك بده‌ی؟
- له‌ پوژا ئه‌وه‌نه‌ وه‌ خسته‌ هه‌س
ئیسراحه‌ تێ بکه‌ی؟

۷۸- تا حالا به مسافرت خارج از
کشور رفته‌ای؟

۷۸- تا ئیستا بۆ سه‌فه‌ری دوور له‌
ولآت پویشتیوی؟
- تا ئیسه‌ چووگی بۆ سه‌فه‌ر دوور له‌
ولآت؟

۷۹- لطفاً، آن کتاب را به
من می‌دهید؟

۷۹- بێ زه‌حمه‌ت، ئه‌و کتێبه‌
ئه‌ده‌ی به‌ من؟
- بێ زه‌حمه‌ت، ئه‌و کتێوه‌ ئایته‌ من؟

۸۰- سن شما چقدر است؟

۸۰- ته‌مه‌نی تۆ چه‌نده‌؟
- عومرت چه‌نیکه‌؟

۸۱- ازدواج کرده‌ای؟
(زن گرفته‌ای؟ شوهر کرده‌ای؟)

۸۱- ژنت خواستوه‌؟ شووت کردوه‌؟
- ژنت خواستگه‌؟ شووت کردگه‌؟

- | | |
|--|--|
| <p>۸۲- خودت در اصل اهل کجائی؟
 ۸۲- خۆت له ئەسلدا، خەلکی کوێی؟
 - خوەت له ئەسل، خەلک کوێنە ی؟</p> <p>۸۳- چند برادر و خواهر داری؟
 ۸۳- چەند براو خوشکت هە یە؟
 - چەن براو خوە یشکت هە س؟</p> <p>۸۴- برادرهایت از تو بزرگترند؟
 ۸۴- براکانت له تۆ گەورە ترن؟
 - براکانت له تۆ گەورە ترن؟</p> <p>۸۵- خواهرات چی؟ شما فرزندانم هستی؟
 ۸۵- خوشکە کانت چی؟ تۆ مندالی
 چەندە می؟
 - خوە یشکە کانت چە؟ تۆ چەنم
 منالی؟</p> <p>۸۶- دانشگاه شما چند دانشجو دارد؟
 ۸۶- زانستگە ی ئیوہ چەند
 خویندکاری هە یە؟
 - دانشگاه ی ئیوہ چەن دانشجوی
 هە س؟</p> <p>۸۷- چرا علاقه به درس خواندن امروز کمتر شده است؟
 ۸۷- بۆچی مە یلی دەرس خویندن
 ئەمڕۆ کەم بوە تەوہ؟
 - بۆچە مە یل دەرس خوەندن ئیمڕۆ
 کەم بووگە سەو؟</p> | <p>۸۲- خودت در اصل اهل کجائی؟
 ۸۲- خۆت له ئەسلدا، خەلکی کوێی؟
 - خوەت له ئەسل، خەلک کوێنە ی؟</p> <p>۸۳- چند برادر و خواهر داری؟
 ۸۳- چەند براو خوشکت هە یە؟
 - چەن براو خوە یشکت هە س؟</p> <p>۸۴- برادرهایت از تو بزرگترند؟
 ۸۴- براکانت له تۆ گەورە ترن؟
 - براکانت له تۆ گەورە ترن؟</p> <p>۸۵- خواهرات چی؟ شما فرزندانم هستی؟
 ۸۵- خوشکە کانت چی؟ تۆ مندالی
 چەندە می؟
 - خوە یشکە کانت چە؟ تۆ چەنم
 منالی؟</p> <p>۸۶- دانشگاه شما چند دانشجو دارد؟
 ۸۶- زانستگە ی ئیوہ چەند
 خویندکاری هە یە؟
 - دانشگاه ی ئیوہ چەن دانشجوی
 هە س؟</p> <p>۸۷- چرا علاقه به درس خواندن امروز کمتر شده است؟
 ۸۷- بۆچی مە یلی دەرس خویندن
 ئەمڕۆ کەم بوە تەوہ؟
 - بۆچە مە یل دەرس خوەندن ئیمڕۆ
 کەم بووگە سەو؟</p> |
|--|--|

- | | |
|--|--|
| <p>۸۸- سه رقالی لاوان غه یری ده رس
خویندن، چیه؟
- سه رگه رمی جوانه کبان غه یره ز
ده رس خوه ندن چه س؟</p> | <p>۸۸- سرگرمی جوانان غیر از درس
خواندن چیست؟</p> |
| <p>۸۹- له م شاره دا پیشه سازی هه یه؟
- له م شارا سه نعت هه س؟</p> | <p>۸۹- در این شهر کارخانه صنعتی
وجود دارد؟</p> |
| <p>۹۰- گوزه رانی گشتی مه ردوم چونه؟
- گوزه ران مه ردوم چونه؟</p> | <p>۹۰- زندگی عمومی مردم چطور
است؟</p> |
| <p>۹۱- ئه بی له م باره وه نه زه ری
به ریزتان بفرموون؟
- ئه وی له م باره وه نه زه ر خوه تان
بفرموون؟</p> | <p>۹۱- ممکن است در این باره نظر
خودتان را بفرمائید؟
(کلام مؤدبانه)</p> |
| <p>۹۲- جه نابتان داواکاری چتی بوون؟
- جه نابتان چتیکان گه ره ک بوو؟</p> | <p>۹۲- جنابعالی چیزی درخواست
فرمودید؟ (کلام مؤدبانه)</p> |
| <p>۹۳- ئه بی ده ستوورتان بفرموون
تا به جیی بینم؟
- ئه وی ئه مرتان بفرموون تا به
جیگه ی بیرم؟</p> | <p>۹۳- می شود امرتان را بفرمائید تا
اجرا کنم؟ (کلام مؤدبانه)</p> |

۹۴- ئیمه له خدمه تانان، هه رچی
ئه مر بفرموون
- ئیمه هاین له خزمه تانان، هه رچی
ئه مر بفرموون

۹۵- ماوه یه که تاقه تی ئیش کردنت
نی، به، دروسته؟
- موده تی که تاقهت کار کردنت
نی، به، دروسه؟

۹۶- باشر نی، به یینی دهست له
خویندنه وه هه لگری؟
- خاستر نی، به یینی دهس له
خوهندنه وه بکیشی؟

۹۷- باورپت هه یه که ئه لێن: دڵ به
دڵ ریگهی هه یه؟
- باورپت ههس که ئیژن: دڵ به دڵ
ریگهی ههس؟

۹۸- له قسه ی حسابی خوشت دی؟
- له قسه ی چه ساوی خوشت تی؟

۹۴- ما در خدمت هستیم، هرچه
امر بفرمائید. (کلام مؤدبانه)

۹۵- مدتی است حوصله کار
کردن ندارید، درست است؟

۹۶- بهتر نیست مدتی مطالعه را
کنار بگذارید؟

۹۷- باور داری که می گویند: دڵ
به دڵ راه دارد؟

۹۸- از حرف حساب خوشت می آید؟

۹۹- می دانی کم کم دارم کُردی یاد می گیرم؟
 ۹۹- ده زانی ورده ورده خه ریکم کوردی فیڕ ئه بَم؟

- ئه زانی ورده ورده خه ریکم کوردی فیڕه وم؟

۱۰۰- مگر نشینیده ای که گفته اند: خواستن، توانستن است؟
 ۱۰۰- مه گهر نه ت بیستوو که وتوویانه: خوازتن، توانینه؟

- مه گهر نه ت بیستگه که وتگیانه: خوازتن، توانینه؟

به‌شی ۳

بخش ۳

لغات در موضوع‌های گوناگون کاربردی

ـ وشه‌کان، بو بابه‌ته‌کانی جورا‌جوری به‌کاره‌یتان

۱- اعداد - ژماره‌کان

۱- ۱ اعداد اصلی - ژماره سه‌رکی به‌کان

فارسی	کُردی	فارسی	کُردی
ـ صفر	ـ سفر	ـ دوازده	ـ دو‌انزه
ـ یک	ـ یه‌ک	ـ سیزده	ـ سێ‌زه / سیانزه
ـ دو	ـ دوو	ـ چهارده	ـ چوارده
ـ سه	ـ سێ	ـ پانزده	ـ پانزه
ـ چهار	ـ چوار	ـ شانزده	ـ شانزه
ـ پنج	ـ پینج / په‌نج	ـ هفده	ـ هه‌فده
ـ شش	ـ شه‌ش	ـ هجده	ـ هه‌ژده
ـ هفت	ـ هه‌وت / هه‌فت	ـ نوزده	ـ نو‌ژده
ـ هشت	ـ هه‌شت	ـ بیست	ـ بیست / بیس
ـ نه	ـ نو	ـ سی	ـ سی
ـ ده	ـ ده	ـ چهل	ـ چل
ـ یازده	ـ یازده / یانزه	ـ پنجاه	ـ په‌نجا

۱-۲- اعداد ترتیبی ژماره روئیی به گان

فارسی	کُردی
- شصت	- شه‌ست / شه‌س
- هفتاد	- شه‌فتا
- هشتاد	- شه‌شتا
- نود	- نه‌وه‌د
- صد	- سه‌د
- دویست	- دو‌وه‌سه‌د
- سیصد	- سه‌ی سه‌د
- چهارصد	- چوار سه‌د
- پانصد	- پان سه‌د
- ششصد	- شه‌ش سه‌د
- هفتصد	- شه‌ف سه‌د
- هشتصد	- شه‌شه‌سه‌د
- نه‌صد	- نه‌سه‌د
- هزار	- شه‌زار
- دو هزار	- دو‌وه‌زار
- سه هزار	- سه‌ی شه‌زار
- چهار هزار	- چوار شه‌زار
- پنج هزار	- پینج شه‌زار /
- یک میلیون	- په‌نج شه‌زار
	- یه‌ک ملیۆن
	- هشتادم
	- هشتادهم
	- نودم
	- صد
	...

فارسی	گۆردی	۲-اعضای بدن	بهشه کانی لهش
- یکمین	یه که مین		
- دومین	دوو هه مین /	فارسی	گۆردی
	دوو هه مین	بدن	لهش
- سومین	سییه مین /	سر	سه ر
	سیهه مین	مو	موو، تووک
- چهارمین	چواره مین	پیشانی	توئل
- پنجمین	پینجه مین /	ابرو	برۆ
	په نجو مین	مژه	برژانگ
- ششمین	شه شه مین	چشم	چاو
- هفتمین	حه وته مین	پلک	پئلوو،
	حه فتو مین		به لگ چاو
- هشتمین	هه شته مین	مردمک	گلینه
- نهمین	نو هه مین	مغز	میشک / موخ
- دهمین	ده هه مین	گونه	کۆلمه، کۆلم،
و...			گۆنا
		بینی	که پۆ، لووت
		سوراخ بینی	کونای لووت
		گوش	گوئی، گوپچکه
		صورت	روومته،
			روخسار،
			دهم و چاو
		چانه	چناکه، چنه
		دهان	زار، دهم

فارسی	کُردی	فارسی	کُردی
لب	لیو، لچ	رگ	دهمار، ره گ
دندان	ددان، دیان	ناخن	نینۆک، ناخون
زبان	زمان، زوان	زانو	ئه ژنۆ
گلو	گهروو، گهلوو،	مفصل، بند	خرتک
سقف دهان	قورک	بند انگشت	گریچک
فک، آرواره	ئاسمانه‌ی دهم،	قوزک پا	گوییژنگ،
	مه‌لاژک		گوییژک،
	شه‌ویلکه،	قاپووله‌ی پا	
	شه‌ویلاک	به‌له‌ک، له‌ته‌ر،	
لټه	پدوو، پووک	ساق پا	پووز
سینه	سینگ، سینه	ساق دست	پیل
شکم	ورگ، زک، سک	سبیل	سمیل
دست	ده‌ست، ده‌س	ریش	ردین، ردین،
پا	پی، پا		ریش
پنجه	په‌نجه	مچ دست	ج‌مشیرگ،
انگشت	قامک، نه‌نگروس		ج‌سمگه،
آرنج	ئانیشک		مووچ ده‌س
شانه	شان	مچ پا	گوییژینگ،
گردن	گه‌رده‌ن،		مووچ پا
	گه‌ردن، مل	پشت	پشت
بازو	باسک، قۆل	پهلوی	ته‌نشت، که‌له‌که
استخوان	ئیسقان، پیشه	جگر	جه‌رگ
عصب	ده‌مار	معهده	میعهده، مه‌عهده

فارسی	کُردی	فارسی	کُردی
روده	ریـخۆ له ،	سفیدی چشم	چهرمبتهی چاو
شش	ریخوله	سیاهی چشم	رهشینهی چاو
کلیه	سپیه لاک، سی	اشک	فرمیـسک
قلب	گورچیلە،	قامت	بهژن، بالا
مثانه	گورچک	پاشنه	پاژنه
خون	دل	پستان	مهـمیک،
دنده	میژدان		مهـمکه
ستون فقرات	خوین	جان، روان	گیان
	په راسوو	گام، قدم	ههـنگاو
	برپره، کارتیهی	نرمة گوش	بهـلک،
	پشت		بهـلکی گوی
	مۆغهره ی پشت،		
	مۆغهره،		
	مرۆغه ی پشت		
ماهیچه	ماسیلکه،		
	مایچه		
پوست	پیست، پۆس،		
	پیس		
گوشت	گوشت		
چربی	چهوری		
پیه	بهز		
شکمبه	گهـدگ، گهـده		
ناف	ناوک		

۳-روز-ماه-فصل روژ، مانگ، وه‌رز
نام عوامل طبیعی ناوه‌ز سورشتی به کان

و... و...

فارسی	کُردی
شنبه	شه‌ممه
یکشنبه	یه‌ک شه‌ممه
دوشنبه	دووشه‌ممه
سه‌شنبه	سێ شه‌ممه
چهارشنبه	چوار شه‌ممه
پنجشنبه	پینج (په‌نج)
جمعه	شه‌ممه
	هه‌ینی، جومه
۱-فروردین	خاکه‌لۆه
۲-اردیبهشت	بانه‌مه‌ر
۳-خرداد	جۆزه‌ردان
۴-تیر	پووش‌په‌ر
۵-مرداد	گه‌لاوێژ
۶-شهریور	خه‌رمانان
۷-مهر	ره‌زه‌ر
۸-آبان	خه‌زه‌لۆه‌ر
۹-آذر	سه‌رماوه‌ز
۱۰-دی	به‌فرانبار
۱۱-بهمن	ریبه‌ندان
۱۲-اسفند	ره‌شه‌مه

فارسی	کُردی
۱-بهار	به‌هار
۲-تابستان	هاوین / تاوسان
۳-پاییز	پایز
۴-زمستان	زفسان
بامداد	ده‌مه‌وه‌به‌یان،
چاشت	به‌یانی، به‌ربه‌یان
ظهر	چاشت
غروب	نیوه‌پو، نیمه‌پو
شب	ئێواره
نیمه‌شب	شه‌و
روز	نیوه‌شه‌و / نیمه‌شه‌و
امشب	روژ
امروز	ئه‌مشه‌و / ئیمشه‌و
حالا	ئه‌مه‌رو / ئیمه‌رو
فردا	ئێستا / ئیسه
پس فردا	سه‌ینی / سۆزی
پسین فردا	دووسه‌ی / دووسۆ
دیروز	سێ سه‌ی / سێ سۆ
پریروز	دوینی / دوێکه
سه‌روز پیش	پیری / پی‌ره‌که
	په‌سه‌ر پیری /
	په‌سه‌ر پی‌ره‌که

فارسی	گۆردی	آفتاب	خۆر / خوهر
گذشته	رابوردوو / رابردگ	ماه	مانگ
آینده	داهاتوو / داهاتگ	ستاره	هه ساره
حال، اکنون	ئێستا / ئیسه	کهکشانی	کاکێشان
تعطیل	پشووودان / تهعتیل	ابر	ههور
اول، آغاز	ههوهل، ئهوهل	آسمان صاف	سایهقه
آخر، انجام	ئاخر، دواپی	رعد و برق	ههوره تریشقه، ههوره برووسکه
وسط، میان	ناوه‌ند، به‌ین	زلزله	بوومه‌له‌رزه
شمال	باکوور	برف	به‌فر
جنوب	باشوور	باران	باران
مشرق	پۆژه‌ه‌لآت / خۆره‌ه‌لآت	برف و باران	دوودانگ
مغرب	پۆژئ‌اوا / خۆرئاوا	سیل	لافاو
شمال شرقی	باکووری	سرد	سارد
شمال غربی	پۆژه‌ه‌لآت	گرم	گه‌رم
جنوب شرقی	پۆژئ‌اوا	آب	ئاو
جنوب غربی	باکووری	آب نیم گرم،	ئاوی شیتین
	پۆژه‌ه‌لآت	یخ	سه‌هۆل، یه‌خ
	پۆژئ‌اوا	تگرگ	ته‌رزه
	باشووری	داغ	داخ
	پۆژه‌ه‌لآت	شراره	بلیسه
	باشووری	شعله	گر
	پۆژئ‌اوا	بخار	هه‌لم، بۆق، هالاو
		مه	مژ

فارسی	گُردی	فارسی	گُردی
پرتو نور،	تیشک	خاله	پوور، میمک،
مہتاب	مانگہ شہو	عمو	می می
شبیم	شہ و نم، ٹاونگ	برادر بزرگ	مام، مامہ
چگہ	دلّوپہ، تکہ	خواہر بزرگ	کاک، کاکہ
چشمہ	کانی	ہمسر (زن یا مرد)	ہاوسہر
رودخانہ	چہم	ہمسر زن	خیزان
موج	شہ پؤل	دختر	کچ، کہ نیشک
		پسر	کور
		دائی	خالو
		زن دائی	خالوژن
		زن (بہ طور عام)	ژن، ٹافرہت
		عمو زادہ	ٹاموژا
		(دختر یا پسر)	
		خالہ زادہ	پوورزا، میمکہزا
		عمّہ زادہ	پوورزا، میمکہزا
		دائی زادہ	خالوژا
		فرزند عمو زادہ	ٹاموژازا
		فرزند عمّہ زادہ و	پوورزازا،
		خالہ زادہ	میمکہزازا
		فرزند دائی زادہ	خالوژازا
		خواہر زادہ	خوشکہزا، خواہیشکہزا

فارسی	کوردی	فارسی	کوردی
برادرزاده	برازا	زن برادر	براژن
داماد	زاوا	نوه	نهوه، کۆپه‌زا،
عروس	بووک، وه‌وی	کچه‌زا	کچه‌زا
برادر شوهر	هیوه‌ر	که‌نیشکه‌زا	که‌نیشکه‌زا
زن برادر شوهر	هیوه‌رژن	ئـاوال‌زاوا،	ئـاوال‌زاوا،
پدر زن	خه‌زوور، خه‌زووره	هاوزاوا	هاوزاوا
مادر زن	خه‌سوو	بیوه‌ژن	بیوه‌ژن
پدر شوهر	خه‌زووره	نامادری	زپ‌دایک ،
مادر شوهر	خه‌سوو	باوه‌ژن	باوه‌ژن
خواهر شوهر	دش، دوش	ناپدیری	زپ‌باب ، باوه‌پاره
قوم و خویش	خزم، قه‌وم و	نادختری	زپ‌کچ، زپ‌که‌نیشک
	که‌س	ناپسری	زپ‌کۆر
دودمان	په‌گه‌ز، هۆز	دوقلو	چیمک، دووانه،
فرزند، اولاد	مندال، منال	نـازا	نـازا
شوهر	میرد، شوو	ینگه، ساق دوش	به‌ربووک /
زن	ژن	پاخه‌سوو	پاخه‌سوو
مرد	پیاو، پیاگ	فرزند خواهر شوهر	دوشه‌زا
ه‌وو	هه‌وی، هه‌وه	فرزند برادر	هیوه‌رزا،
فرزند ه‌وو	هه‌نه‌زا	شوهر	هیوه‌ره‌زا
خواهر همسر	ژن خوشک،	همسر عموزاده	ئامۆژاژن
	ژن خوه‌یشک	طایفه، نژاد	خیل، هۆز، ره‌گه‌ز
برادر داماد	برازاوا	مـلـت	میلله‌ت، گه‌ل
(در عروسی)			

جل و بهری	لباس و پوشاک	کردی	فارسی
کردی	فارسی	دۆست، دۆس	دوست
کۆت	کت	هاو ته مه ن،	هم سن و سال
شه لوار، شه وāl	شلوار	هاو عومر	
که و ا، کوا	قبا (بلند یا کوتاه)	نیر	مذکر
سه لته	قبای نیم تنه	می	مؤنث
کراس	پیراهن	نیر و می،	خُنشی
ژیر کراسی	زیر پیراهنی	نیر و ما	
پاتۆل،	تُنبان		
ده مه و قۆپان			
به نه خوین،	بند تنبان		
هو چه نه			
کلاو	کلاه		
شه پکه،	کلاه لگنی (فرنگی)		
کلا و فه ره نگی			
عابا	عبا		
پالته، پالتاو	پالتو		
سوخمه، جلیسقه	جلیقه		
پیلان، کهوش	کفش		
گۆره و ی،	جوراب		
گۆروا			
گۆره و یی به ن،	جوراب پشمی		
گۆروای به ن			
پووزه وانه	ساق پابند		

فارسی	کردی	فارسی	کردی
پاتابه	پاتاوه، کالا	پته	یه‌خه
جلیقه پشمی روپوش	په‌سه‌ک	دستمال	ده‌سه‌سپ،
سرکلاه پشمی	سه‌رکلاو		ده‌سمال
بارانی نمدی چوپانی	که‌پهنک	خلخال	خرخال، پاوانه،
بالاپوش نمدی			بازنه
پوستین پوشیدنی	که‌لپۆز،	دستبند، النگو	بازنه، ده‌س
	که‌لپۆس		وینک
لباس جافی	که‌واو سه‌لته	انگشتری	ئه‌نگووسيله
نیم‌تنه‌ مردانه	مراخانی،	گوشواره	گواره،
	مرادخانی		گۆشه‌واره
کمر بند پارچه‌ای	پشتین،	طلا و نقره زینتی	خشل و خاو
	پشتوین	گردن‌بند	به‌رموور،
عمامه	میزه‌ر، میزه‌ره		مل وینک
ریشه‌های عمامه	ریشک	گل‌بینی	لووته‌وانه
چکمه	پۆتین		
پوتین	پۆتین		
آستین آویزان	سۆرانی،		
	فه‌قیانه		
آستین عادی	قۆل، سه‌رده‌س		
پاچه‌ شلوار	ده‌م پا		
دستکش	ده‌ست‌کیش،		
	ده‌س‌کیش		
جیب	گیرفان		

کردی	فارسی	رەنگەکان	رەنگەها
شێ	سرخ و سفید		
قاوێبی	قهوه‌ای	کردی	فارسی
کال	کم‌رنگ	سپی، چەرمگ	سفید
تۆخ، تاریک	رنگ سیر، پُرنگ	رەش	سیاه
رەنگ		سەوز	سبز
		سوور	سرخ
		شین، ئاوی	آبی
		زەرد	زرد
		بەنەوش	بنفش

نام و چێژه‌کان ۷-طعم و مزەها

کردی	فارسی		
چێژ، تام	مزّه و طعم	بۆر	خاکستری
شیرین	شیرین	دووکه‌لی	دودی
تال	تلخ	چێژه‌یی	چهره‌ای
سوێر، سۆل	شور	پیروژه‌یی	فیروزه‌ای
توون، تون	تند	که‌وگ	کبود
ترش، تورش	ترش	خەنەیی	حنایی
ترش و شیرین،	ترش و شیرین	رەش و سپی،	سیاه و سفید
تورش و شیرین		رەش و	
مزر	کم‌ترش	چەرمگ	
بی‌تام	بی‌مزّه	بەلەک	ابلق، دورنگ سیاه
خۆش‌تام،	خوش‌مزّه		و سفید قاطی
خوێش‌تام		تەلایی	طلائی
تۆخ	مزّه‌تند	نوقره‌یی	نقره‌ای
		سورمه‌یی	سرمه‌ای
		ئەسمەر، گەنمی	گندمی
		نارنجی	نارنجی

کردی	فارسی	دهرس و مه درسه	دهرس و مدرسه
مانه وه	مردود شدن	وزانستگه	ودانستگاه
پۆل	کلاس	کردی	فارسی
که ت، سه نده لێ	صندلی	خویندنگه،	آموزشگاه
مێژ	میز	خویندنگه	دبستان
گه چ	گیج	قوتابخانه،	ابتدایی
نووسین	نوشتن	دهبستان	دبیرستان
خویندن،	خواندن	سه ره تای	متوسطه
خوه نندن		ده بیرستان	دانشگاه
جواب دانه وه	پاسخ دادن	ناوه ندی	راهنمایی
کاری راهیان،	تکلیف	زانستگه،	دانشکده
ته کلیف	تمرین	دانشگا	تربیت معلم
راهیان،		رینوینی	معلم
ته مرین		کولێج، دانشکده	دانش آموز
په رتووک،	کتاب	په ره و ده ی	دانشجو
کتیب، کتیو		ماموستا	مدیر، رئیس
ده فته ر	دفتر	ماموستا	درس
پینوس، قه لم	قلم	قوتابی	قبول شدن
پینوس، میداد	مداد	خویندکار	
مه ره که ف	جوهر	به رپرس	
ئاماده	حاضر	دهرز، دهرس	
غایب	غایب	سه رکه وتن،	
نوینهر	نماینده	دهرچوون	
لا په ره	صفحه		

[illegible]

فارسی	کردی	فارسی	کردی
ذرت	گه رمه شامی	صبحانه	به رقلیان
حلوا	هه لّوا	ناهار	قاوه توون
کوفته	کفته	شام	شیو
پلو	پلاو	تخم مرغ و روغن	هیلکه و روڤ
چلو	چلاو	بورانی	بوُرانی
کباب	که باب ، که واو	سالن غذاخوری	چیشته خانه
خورش	خورش، خوه رشت		
آب گوشت	ئاو و گوشت		
آب جوجه	فـروج ئاو ،		
	فروجاو		
آب جوجه می خورش	ته ره که واو		
تلیت، ترید	تریت		
چلو کباب	چلاو و که باب ،		
	چلاو و که واو		
چلو خورش	چلاو و خوه رشت		
ماهی	ماسی		
گوشت ماهی	گوشت ماسی		
شیربرنج	شیر برنج		
نان گرده	کولیره		
دلمه	دۆلمه		
کنه	که ته		
جوجه	فروج		
فرنی	فرنی		

۱۰- میوه ها	میوه جان
فارسی	کردی
سیب	سیو، سیف
به	به ی
خیار	خه یار
خیار چنبر	تروزی
خیار چنبر پیر	کالیار
خربزه	کاله ک
هندوانه	شووتی، هه نی
پرتقال	پرتقال
موز	مهوز
نارنگی	نارنگی
لیمو شیرین	لیمو شیرین

فارسی	کردی	فارسی	کردی
لیموترش	لیمۆ تورش	آلوچه	هه‌لووژه، هه‌لووچه
طالبی	گپرکه، تالبی	هلو	قوڅ، قوڅی
انگور	هه‌نگوور		تووک‌دار
آلبالو	بلا‌لووک	شلیل	قوڅ، قوڅی
گیلاس	گیلاس		ساف
توت	توو		نارنج
توت‌فرنگی	توو‌ه‌ه‌ر‌ه‌نگی	نارنج	پسته
کیوی	کیوی	پسته	فتق
زردآلو	شیلانە، شلانە	فندق	
زردآلوی خشک	قه‌یسی		
کشمش	کشمیش		
آفتاب‌گردان	گوله‌به‌پوژە، پوژیار‌په‌ریژ		

سه‌وزیجات

۱۱- سبزیجات

فارسی	کردی	فارسی	کردی
کدو	کوله‌که	کلم	که‌له‌رم
ذرت	گه‌نمه‌شامی، گه‌رمه‌شامی	شلغم	شه‌له‌م
خرما	خورما	تریچه	تریچه
گلابی	گولایی، گولآوی،	ترب	توور، ترب
	هه‌رمی، هه‌مرۆ	تره	که‌وه‌رگ
انجیر	هه‌نجیر	جعفری	جافری
گردو	گوژ	نعناع	نه‌عنا
بادام	بادام، باهم	شوید، شوید	شویت

فارسی	کردی	فارسی	کردی
ریحان	ریحان، ریحانه	پیاز	پیاز
مرزه	مه‌رزه	ماش	ماش
شاهی	ته‌ره‌تیزه	ع‌دس	نيسك
پیازچه	ته‌ره‌پیاز	زردچوبه	زه‌رده‌چۆ
گشنیز	گشني	پودر فلفل	ئالەت
کاهو	کاهوو	فلفل سبز	بیار
اسفناج	ئه‌سفە‌ناج	سماق	سِماق
چغندر	چۆنه‌ر	لیمو	لیمۆ
برگ چغندر	گه‌لا‌چۆنه‌ر	لیمو عمانی	لیمۆ‌عه‌مانی
بادمجان	با‌اینجان ، بامجان	تره‌تیزک آبی	کووزله

نه‌سابی ناو

۱۲-سوايل خانه

مأل، نه‌سابو ناو مأل

فارسی	کردی	فارسی	کردی
آینه	ئاوینه، ئایه‌نه	که‌لامیو	برگ مو
شیشه	شیشه	ته‌ماته ، تو‌ماتیز	گوچه‌فرنگی
فرش	فرش	هه‌ویج، گه‌زه‌ر	هویج، زردک
نمد	نمد	که‌نگر	کنگر
جاجیم	جاجیم	که‌ره‌فس،	کرفس
گلیم	گلیم	که‌ره‌وس	پونه
		پوونگه	سبب‌زمینی
		سینه‌عه‌رزیه ،	
		سیف‌زه‌مینی	
		سیر	سیر

فارسی	کردی	فارسی	کردی
قالی	قالی	گولدان	گولدان
لحاف	لێقه	سه هوڵدان،	سه هوڵدان،
تُشک	دۆشه ک، دۆشه که	یه خه چال	یه خه چال
پتو	په توو	مه نهمل، قازان	مه نهمل، قازان
ملافه	مه لافه	قاوله مه	قاوله مه
متکا	سه رین، سه نگیا	که و گیر	که و گیر
بالش	بالین، سه رین	چه قو	چه قو
رختخواب	پێ خهف، جیوبان	چرا	چراغ
تختخواب	قه ره ویله،	گوزه	کوزه
	تهخت و خاو	ئاftاوه	آفتابه
حصیر	حه سیر	کتری	کتری
پرده	په رده	خویدان،	نمکدان
قوری	قوری	نمه کدان	
استکان	پیا له، ئیسکان	مه نگه ل	منقل
نعلبکی	نالبه کی	خاوی	حوله
سماور	سه ماوهر	شه مچه، شقارته،	کبریت
قندان	قه ندان	گوگرد	
قاشق	که و چک	چه مه ردان	چمدان
چنگال	چنگال	کووره، سوّمپا	بخاری
بشقاب	ده وری	ده رزی	سوزن
سبد	سه وه ته		
سفره	سفره		
سینی	سینی، قاوه سینی		

<p>۱۳- حیوانات و پرندگان نازەل و بانده کان</p>		فارسی	کردی
گوسفند	مه‌ر، په‌ز	خروس	که‌له‌شیر
قوچ	به‌ران	جوجه	جو و جکه، جو و جه‌له
بُز	بزن	سگ	سه‌گ
بزنر	خرت	سگ‌نر	گۆل، گه‌مال
بزغاله	کارژه‌له، کارژيله	سگ‌ماده	دی‌ل، ده‌ل
برّه	به‌رخ	توله‌سگ	توله‌سه‌گ، تو و تک
بز دو ساله	چتوور	کبوتر	کو‌تر
گا و نر	گا	کبک	که‌و
ماده‌گا و	مانگا	مرغابی	مرئای، مراوی
گوساله	گو‌یر، گو‌یره‌که	غاز	قاز
اسب	ئه‌سپ	اردک	سو‌نه
ماده‌اسب، مادیان	ماین	فیل	فیل، فیل
گُره‌اسب	جوانوو	گرگ	گورگ
قاطر	قاتر	موش	مشک
استر	هیسر	مار	مار
الاغ	که‌ر	خرگوش	که‌رویشک، که‌وریشک
کره‌الاغ	هۆلی‌که‌ر، جاش	روبا‌ه	رپۆی
ماده‌الاغ	ما‌که‌ر		
الاغ‌نر	نیره‌که‌ر		

فارسی	کردی	فارسی	کردی
شیر	شیر	که ژال، ناسک،	مَامز
ببر	به بر	گاکتوی بگه وه زن	به ران کتوی،
پلنگ	پلنگ	به ران کتفی	مِه رِه کتوی،
خرس	ورچ	مِه رِه کتفی	بولبول، بولبول
خوک	خوو، به راز،	بولبول، بولبول	تِهیر، تِهیرِه
	یه کانه	تِهیر، تِهیرِه	بایله
شغال	چه قه ل	بایله	قشقه رِه
کفتار	که متیار	قشقه رِه	حاجی له ق له ق
میمون	مه میمون	حاجی له ق له ق	قه ل، بۆ قله
زرافه	زه رافه	قه ل، بۆ قله	تووتی
جوجه تیغی	ژوژو، ژژگ	تووتی	تاوس
لاک پشت	کیسه ل	تاوس	بوو، که رِه بوو
سنگ پشت آبی	رِه قه	بوو، که رِه بوو	هه لۆ
کرم	کرم	هه لۆ	دال، داله کهر
کژدم	دوو پشک،	دال، داله کهر	خوهر
	دماره کو ل	خوهر	باز
عنکبوت	کا کله مووشان،	باز	شاهین
	کا کله میشان	شاهین	زنبور عسل
سار	گاوانی	زنبور عسل	زنبور زرد
گنجشک	چۆ له که، مه لیچک	زنبور زرد	هه نکه ژاله،
سهره	سهیره	هه نکه ژاله،	زه رده واله
قناری	قه ناری	زه رده واله	
گاو میش	گامیش		

		فارسی	کردی
۱۴- افعال مورد نیاز کرداره پیوسته کان		زنبور سرخ	سووره مۆزه،
از مصدر «خواندن»		مگس	شهنگه سووره
له جاوگی «خویندن»		شپش	میش
کردی	فارسی	کک	سپیی
خویندم	خواندم	ملخ	کچیچ
خویندت	خواندی	پروانه	کولله
خویندی	خواند	رشک	په پوله، په روانه
خویندما	خواندیم	سوسک	رشک
خویندتان	خواندید	موریانه	قرقانج
خویندیان	خواندند	مورچه	مۆریانه
ده خوینم / ئە خوینم	می خوانم	قورباغه	میلوره، مروچه
ده خوینی / ئە خوینی	می خوانی	کنه	بۆق، قورباق،
ده خوینیی / ئە خوینیی	می خواند	ماهی	قورپواق
ده خوینین / ئە خوینین	می خوانیم	مارمولک	گه نه
ده خوینتن / ئە خوینتن	می خوانید	آفتاب پرست	ماسی
ده خوینتن / ئە خوینتن	می خوانند	خرچنگ	مارمولک
بخوینه	بخوان	هزارپا	قورقۆره،
بخوینن	بخوانید	هزارپا	قۆریانه زه رده
مه خوینه	مَخوان	اژدها	قرژال، قرژانگ
مه خوینن	مَخوانید		هزارپا
نه م خویند ...	نخواندم ...		ئه ژدیها
ناخوینم ...	نمی خوانم ...		

از مصدر «نوشتن» له‌جاوگی «نووسین»

از مصدر «آمدن»

له‌جاوگی «هاتن»

فارسی	کردی	فارسی	کردی
نو شتم	نووسیم	آمدم	هاتم
نو شتی	نووسیت	آمدی	هاتی
نوشت	نووسی	آمد	هات
نوشتیم	نووسیمان	آمدیم	هاتین
نوشتید	نووسیتان	آمدید	هاتن
نوشتند	نووسییان	آمدند	هاتن
می نویسم	ده‌نووسم / نه‌نووسم	می آیم	دیم / تیم
می نویسی	ده‌نووسی / نه‌نووسی	می آیی	دیی / تی
می نویسد	ده‌نووسی / نه‌نووسی	می آید	دی / تی
می نویسیم	ده‌نووسین / نه‌نووسین	می آییم	دیین / تین
می نویسید	ده‌نووسن / نه‌نووسن	می آیید	دیین / تین
می نویسند	ده‌نووسن / نه‌نووسن	می آیند	دیین / تین
بنویس	بنووسه	بیا	بی
بنویسید	بنووسن	بیایید	بین
منویس	مه‌نووسه	میا	مه‌یه
منویسید	مه‌نووسن	میایید	مه‌یه‌ن
ننو شتم	نه‌م‌نووسی	نیامدم	نه‌هاتم
نمی نویسم	نانووسم	نمی آیم	نایه‌م

له چاوکی «دانیست»	از مصدر «دانستن»	له چاوکی «رویشتن»	از مصدر «رفتن»
کردی	فارسی	کردی	فارسی
زانیم	دانستم	رویشتم	رفتم
زانیت	دانستی	رویشتی	رفت
زانی	دانست	رویشت	رفتیم
زانیمان	دانستیم	رویشتین	رفتید
زانیتان	دانستید	رویشتن	رفتند
زانییان	دانستند	رویشتن	
دهزانم / ئەزانم	می دانم	دهپۆم / ئەپۆم	می روم
دهزانی / ئەزانی	می دانی	دهپۆی / ئەپۆی	می روی
دهزانئ / ئەزانئ	می داند	دهپۆا / ئەپۆا	می رود
دهزانین / ئەزانین	می دانیم	دهپۆین / ئەپۆین	می رویم
دهزانن / ئەزانن	می دانید	دهپۆن / ئەپۆن	می روید
دهزانن / ئەزانن	می دانند	دهپۆن / ئەپۆن	می روند
بزانه	بدان		
بزانن	بدانید	پرو	برو
		پرون	بروید
مهزانه	مدان		
مهزانن	مدانید	مهپۆ	مرو
		مهپۆن	مروید
نهمزانی	ندانستم		
نازانم	نمی دانم	نهرۆیشتم	نرفتم
		نارپۆم	نمی روم

له چاوکی «خواردن»	از مصدر «خوردن»	له چاوکی «پرسین»	از مصدر «پرسیدن»
کردی	فارسی	کردی	فارسی
خواردم	خوردم	پرسیم	پرسیدم
خواردت	خوردی	پرسیت	پرسیدی
خواردی	خورد	پرسی	پرسید
خواردمان	خوردیم	پرسیمان	پرسیدیم
خواردتان	خوردید	پرسیتان	پرسیدید
خواردیان	خوردند	پرسییان	پرسیدند
ده خۆم / ئەخوهم	می خورم	ده پرسم / ئەپرسم	می پرسم
ده خۆی / ئەخوێ	می خوری	ده پرسێ / ئەپرسی	می پرسی
ده خوا / ئەخوا	می خورد	ده پرسێ / ئەپرسی	می پرسد
ده خۆین / ئەخوێن	می خوریم	ده پرسین / ئەپرسین	می پرسیم
ده خۆن / ئەخوێن	می خورید	ده پرسن / ئەپرسن	می پرسید
ده خۆن / ئەخوێن	می خورند	ده پرسن / ئەپرسن	می پرسند
بخۆ	بخور	بپرسه	بپرس
بخۆن / بخوێن	بخورید	بپرسن	بپرسید
مه خۆ	مخور	مه پرسه	مپرس
مه خۆن / مهخوێن	مخورید	مه پرسن	مپرسید
نهم خوارد	نخوردم	نهم پرسێ	نپرسیدم
ناخۆم / ناخوهم	نمی خورم	ناپرسم	نمی پرسم

له‌چاوکی «بیستن»	از مصدر «شنیدن»	له‌چاوکی «ناردن»	از مصدر «فرستادن»
کردی	فارسی	کردی	فارسی
بیستم	شنیدم	ناردم	فرستادم
بیستت	شنیدی	ناردت	فرستادی
بیستی	شنید	ناردی	فرستاد
بیستمان	شنیدیم	ناردمان	فرستادیم
بیستتان	شنیدید	ناردتان	فرستادید
بیستیان	شنیدند	ناردیان	فرستادند
ده‌بیسم / ئە بیسم	می‌شنوم	ده‌نی‌رم / ئە نی‌رم	می‌فرستم
ده‌بیسی / ئە بیسی	می‌شنوی	ده‌نی‌ری / ئە نی‌ری	می‌فرستی
ده‌بیسی / ئە بیسی	می‌شنود	ده‌نی‌ری / ئە نی‌ری	می‌فرستد
ده‌بیسین / ئە بیسین	می‌شنویم	ده‌نی‌رین / ئە نی‌رین	می‌فرستیم
ده‌بیسن / ئە بیسن	می‌شنوید	ده‌نی‌رن / ئە نی‌رن	می‌فرستید
ده‌بیسن / ئە بیسن	می‌شنوند	ده‌نی‌رن / ئە نی‌رن	می‌فرستند
		بنیره	بفرست
ببیسه	بشنو	بنی‌رن	بفرستید
ببیسن	بشنوید		
		مه‌نی‌ره	مفرست
مه‌بیسه	مشنو	مه‌نی‌رن	مفرستید
مه‌بیسن	مشنوید	نه‌م‌نارد	نفرستادم
		نمی‌فرستادم	
نه‌م‌بیست	نشنیدم		
نابیسم	نمی‌شنوم		

از مصدر «شناختن» له جاوگی «ناسین» از مصدر «نشستن» له جاوگی «دانیشتن»

فارسی	کردی	فارسی	کردی
شناختم	ناسیم	نشستم	دانیشتم
شناختی	ناسیت	نشستی	دانیشتی
شناخت	ناسی	نشست	دانیشت
شناختیم	ناسیمان	نشستیم	دانیشتین
شناختید	ناسیتان	نشستید	دانیشتن
شناختند	ناسییان	نشستند	دانیشتن
می شناسم	ده ناسم / ئه ناسم	می نشینم	داده نیشم / دائه نیشم
می شناسی	ده ناسی / ئه ناسی	می نشینی	داده نیشی / دائه نیشی
می شناسد	ده ناسی / ئه ناسی	می نشیند	داده نیشی / دائه نیشی
می شناسیم	ده ناسین / ئه ناسین	می نشینیم	داده نیشین / دائه نیشین
می شناسید	ده ناسن / ئه ناسن	می نشینید	داده نیشن / دائه نیشن
می شناسند	ده ناسن / ئه ناسن	می نشینند	داده نیشن / دائه نیشن
بشناس	بناسه	بنشین (دانیشه)	دابـ_____نیشه
بشناسید	بناسن	بنشینید	دابـنیشن (دانیشن)
مشناس	مه ناسه	منشین	دامه نیشه
مشناسید	مه ناسن	منشینید	دامه نیشن
نشناختم	نه م ناسی	ننشستم	دانه نیشتم ...
نمی شناسم	ناناسم	نمی نشینم	دانانیشم ...

از مصدر «باد گرفتن» له چاوکی «قیر بوون»

۱۵- واژه‌های مفید - وشه به که لکه کانی تر،

دیگر وشه که ل به ده ر د بخوه ر تر

فارسی	کردی
یاد گرفتم	فیر بووم
یاد گرفتی	فیر بووی
یاد گرفت	فیر بوو
یاد گرفتیم	فیر بووین
یاد گرفتید	فیر بوون
یاد گرفتند	فیر بوون
یاد می گیرم	فیر ئه بـم / فیر ئه وـم
یاد می گیری	فیر ئه بـی / فیر ئه وـی
یاد می گیرد	فیر ئه بـن / فیر ئه وـن
یاد می گیریم	فیر ئه بـین / فیر ئه وـین
یاد می گیرید	فیر ئه بـن / فیر ئه وـن
یاد می گیرند	فیر ئه بـن / فیر ئه وـن
یاد بگیر	فیر بیه (فیر به)
یاد بگیرید	فیر بین (فیر بن)
یاد مگیر	فیر مه به / فیر مه وه
یاد مگیرید	فیر مه بن / فیر مه ون
یاد نگرفتم	فیر نه بووم / فیر نه ووم
یاد نمی گیرم	فیر ناوم
توالت	توال
اقتصاد	ئا بووری
عمو	ئا پۆ
محتاج	ئا تاج
گفتگو	ئا خافتن
هاله ماه	ئا خله
مطمئن	ئا رخه یان
زکام	ئا رسم
هدف	ئا رمانج
عطسه	ئا روشک - پژمه
آجل، انجام	ئا کام
هدف، مرام	ئا مانج
پند، اندرز	ئا مو چیار
پند، اندرز	ئا موژگاری
ابزار	ئا میر
وظیفه، مسؤولیت	ئا رک
ساندویچ	با بۆله
شهر، بازار	با ژپیر
سفیر	بالوژ
میخ	بزمار
نی لبک	بلوژ
اساس و شالوده	بناغه
اندیشمند	بیر مه ند

فارسی	کردی	فارسی	کردی
شنونده	بیسەر	رووگیر	قهر کرده،
ناتوان	بێ هیز		خجالت زده
شناسایی	پیناسه	رووگرژ	اخمو
شناسنامه	پیناس	زۆران	گُشتی
آبشار	تافگه	زۆران باز	کشتی گیر ماهر
موفق شدن	تێ هێنان	سه‌ربه‌خۆ	مستقل، آزاد،
طمعکار، حسود	چاوچنۆک	سه‌ربه‌خوویی	آزادی
مصدر فعلی	چاوگ	سه‌ربه‌ست	آزاد
ناظر	چاویار	سه‌ربه‌ستی	آزادی
نظارت	چاویاری	سه‌رخوار	مطیع، فرمانبردار
ناظر	چاوه‌دێر	سه‌رنج	دقت
نظارت	چاوه‌دێری	سه‌رنج دان	دقت کردن
چشم به راه	چاوه‌نهیڕ	سه‌رنج‌ده‌ر	پژوهنده، پژوهشگر
چشم به راه،	چاوه‌پێ	سه‌روا	قافیه شعر
امیدوار		شارستانی	تمدن، زندگی شهری
چشم درد	چاویشه	شارانگه‌ر	جهانگرد
پاکیزه	خاوین	شاندی	فرستاده
مخالفت	دژایه‌تی	گوینگر	شنونده
رنجیده خاطر	دل‌لمه‌ن	مه‌به‌ست	منظور
خسیس	دل نزم	هه‌ستیار	احساس کننده،
کارشناس	دوورناس		شاعر و ادیب
نامزد	ده‌زگیران	هه‌ست	احساس
منظره	دیمه‌ن	هه‌ستکار	حواس، اندامهای
اندازه، کیفیت	را‌ده		حس کننده
مرئی، معلّم	پراهین		
خوش رو	رووگه‌ش		

Sorāni Kurdish Grammar

By:

Dr. Ali Rokhzadi

Faculty member